

آموزشی ابتداری



انستیتو ملی پژوهش‌های آموزشی
سازمان پژوهش‌های آموزشی
وزارت آموزش عالی



ISSN :1606-9102

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیست‌ودوم - خرداد ماه ۱۳۹۷ - شماره‌ی پیاپی ۱۷۷ - ۴۸ صفحه - ۱۵۰۰ ریال
www.roshdmag.ir



فرا یادگاری

۲۴

ارزشیابی درس
مطالعات اجتماعی

۱۴

مدرسه‌ی ژاپنی
در هشت پرده



علی محمد کاردان کاردان هستی

اندیشه‌های تربیتی کاردان از چنان جامعیتی برخوردارند که پاسخگوی بسیاری از مسائل تعلیم و تربیت معاصر نیز هستند. مبنای اصلی اندیشه‌ی فلسفی و تربیتی کاردان «هستی» است. عالم هستی یعنی جهان بیرونی و درونی و شناخت خود و ماسوای خود. غرض از آن نیز در وهله‌ی اول حل مشکلات زندگی و تسخیر طبیعت و خودشناسی و سرانجام خداشناسی است، به طوری که وی هدف تربیتی انسان را پرورش همه‌جانبه می‌داند و بر این اساس به اصول فعالیت، رشد، رغبت، تفاوت‌های فردی و اجتماعی و روش‌های الگوسازی و حل مسئله معتقد است!

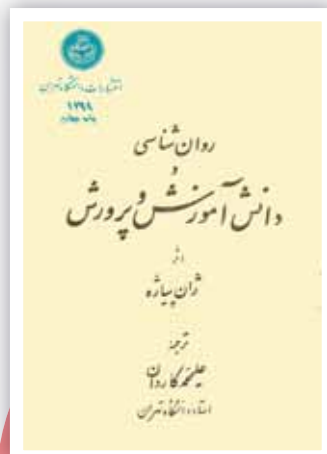
دکتر کاردان یکی از شاگردان ایرانی ژان پیاژه و بنیان‌گذار رشته‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران بود.

گفتنی است، در همایش چهره‌های ماندگار سال ۱۳۸۲ از دکتر کاردان به عنوان چهره‌ی ماندگار روان‌شناسی و علوم تربیتی قدردانی شد. از میان تألیفات دکتر کاردان، کتاب «تاریخ روان‌شناسی» در سال ۱۳۶۸ به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال و ترجمه‌ی کتاب «جامعه‌شناسی و تربیت» در سال ۱۳۸۰ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شایسته‌ی دریافت لوح تقدیر شد.

۱۳۰۶ ز د-۱۳۸۶ تهران
استاد ممتاز و چهره‌ی ماندگار علوم تربیتی
لیسانس و فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی
از دانش‌سرای عالی تهران
دکتر فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه ژنو

افتخارات

پژوهشگر نمونه به انتخاب فرهنگستان علوم؛
رئیس دانشکده‌ی علوم تربیتی از سال ۴۸ تا ۵۸؛
دریافت‌کننده‌ی نشان سپاس برای خدمات شایان شورای عالی فرهنگ رادیویی ایران (در سال ۱۳۵۳)؛
سرپرست مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶؛
عضو پیوسته‌ی فرهنگستان علوم از سال ۱۳۶۹؛
تجلیل شده و دریافت‌کننده‌ی لوح تقدیر از رئیس‌جمهور، به دلیل خدمات مستمر علمی و فرهنگی در نهاد ریاست‌جمهوری (بهمن ۱۳۸۰)؛
دریافت‌کننده‌ی لوح تقدیر و بزرگداشت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال ۱۳۸۲؛
مدیر گردهمایی پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی سمت؛
عضو هیئت امنای دانشگاه تربیت معلم.



آموزشی ابتداری

رشد

www.roshdmag.ir
ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران،
دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیست‌و‌دوم - دی‌ماه ۱۳۹۷ - شماره‌ی پدربپی ۱۷۷ - ۴۸ صفحه - ۱۵۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

یادداشت سردبیر - فرایادگاری / ۲

تقویم ماه - دی‌ماه / ۳

گفت‌وگو - معلمان موفق - آموزگار ماندگار / مائده ابراهیمی / ۴

فوت و فن کلاس‌داری - ایجاد انگیزه و کاستن از ترس / بهار رضائی / ۷

برنامه‌ی درسی - ریاضی / اعداد تقریبی و تخمین (بخش دوم) / سپیده چمن‌آرا / ۸

مطالعات اجتماعی / ارزشیابی درس مطالعات اجتماعی / زهرا یوسفی / ۲۴

هنر / سلام بر روش‌های صحیح آموزش هنر / فریبا شاپوریان / ۳۰

قرآن / چه کسی به بچه‌ها قرآن بیاموزد؟ / رضا نباتی / ۴۴

مهارت‌های زندگی - مهارت تصمیم‌گیری / فهیمه احمدی / ۱۲

بازدید - یک مدرسه‌ی ژاپنی در هشت پرده / سید محسن گلدان‌ساز / ۱۴

گزارش - در مدرسه‌های چند پایه چه می‌گذرد؟ / مرضیه کهندل / ۳۸

نوشتار - ویژگی‌های مشق شب / مهتاب مجردی / ۶

رویکردهای جدید آموزش فراموش نشود / سید محمد فاطمی، فاطمه ابوالحسنی حسن‌آبادی / ۲۰

تجربه‌ی مادرانه - پس کنکور چی می‌شه؟ / کبری محمودی / ۲۲

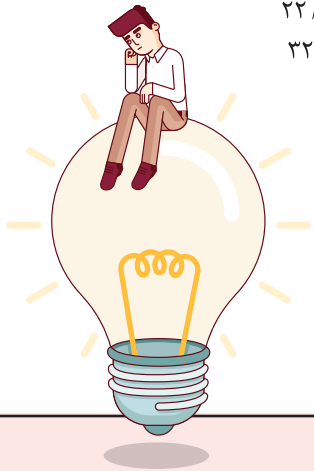
تجربه‌های ناب - تجربه‌ی یک کار متفاوت! / زهره خواجویی / ۳۲

رویکردهای تربیتی - صد زبان کودکی / علیرضا پیربابا / ۳۴

خاطره - ۴۲

همراهان - ۴۷

آلبوم عکس - عکس یادگاری / ۴۸



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. ● چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله پک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی CD یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.
- علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.



عکاس: نریا ابراهیمی

فرا یادگاری

گرفتن عکس یادگاری در گذشته‌های نه چندان دور کار آسانی نبود. باید دوربینی می‌داشتی، فیلم خامی خریداری می‌کردی و موقعیت‌هایی فراهم می‌شد تا بتوانی عکسی به یادگار بگیری. امروزه به راحتی با دست در جیب کردن و در آوردن تلفن همراه از آن و باز کردن صفحه‌ی دوربین و لمس یک نشان می‌توان عکس‌هایی گرفت؛ هر عکسی.

در گذشته مجبور بودی در گرفتن عکس مقصد باشی، چون عکاسی هزینه‌های زیادی داشت. همان لحظه هم نمی‌توانستی عکسی را که گرفته‌ای ببینی! فقط پس از ظهور و چاپ می‌توانستی بفهمی چند عکس خوب گرفته‌ای.

عکس‌های یادگاری در گذشته خیلی کم بودند. قدیمی‌ها تعداد عکس‌های یادگاری‌شان بسیار کم است. و امروزی‌ها تا دل‌تنان بخواهد عکس‌های گوناگون از جمله عکس یادگاری دارند. امروزه دیگر اصطلاح عکس یادگاری کمتر به کار می‌رود.

عکس یادگاری کلاسی هم دریغانه‌ای است که از یاد هم سن و سال‌های من نمی‌رود. یادم هست، وقتی در مدرسه می‌خواستند عکس یادگاری از کلاس بیندازند، از چند روز قبل اعلام می‌کردند. حالا دیگر این طور نیست!

نکنه اینجاست که در گذشته، اگرچه تعداد عکس‌ها کم بود، اما یادگارهای فراوانی بودند که فراتر از عکس یادگاری عمل می‌کردند؛ یادگارهایی که در قلب‌ها می‌ماندند و مانده‌اند و ظاهراً خیال رفتن ندارند؛ یادگارهایی که تصویرشان نه روی کاغذ عکاسی، بلکه روی دل‌ها ثبت شده‌اند؛ یادگارهایی که از دریچه‌ی دوربین گرفته نشده‌اند، بلکه از دریچه‌ی نگاه و لمس مهربانی‌ها و حتی خشونت‌ها وارد قلب‌ها شده‌اند. معلم‌مان ما می‌دانند که این عکس‌های یادگاری نیستند که خاطره‌ی معلم را در یاد دانش‌آموزان باقی می‌گذارند؛ بهترین یادگاری که از معلم در قلب بچه‌ها باقی می‌ماند، مهربانی اوست. رفتار مهربانانه و البته تأثیر خشونت و نامهربانی بیشتر در یادها خواهد ماند!

وقتی از مهربانی حرف می‌زنیم، از ادای مهربانی در آوردن سخن نمی‌گوییم. کسی که ادای مهربانی در می‌آورد، روزی عاقبت نامهربانی‌اش را با عصبانیتی بیجا بروز می‌دهد. مهربانی در معلم باید درونی، بی‌قصد، سیال و جاری باشد. مهربانی چیزی جز دوست داشتن همه‌ی انسان‌ها نیست. مهربانی سخت نیست. مهربانی دیواری دفاعی علیه خشونت است.

همه‌ی انسان‌ها با همه‌ی تفاوت‌هایی که با هم دارند، به مهربانی نیازمندند؛ هم نیازمند مهربانی دیدن و هم مهربانی کردن.

روی دیگر یادگارهایی که برای کودکان باقی می‌ماند، رفتار معلم است. معلم، هر رفتاری انجام بدهد، الگوی رفتاری دانش‌آموزانش می‌شود. رفتارهایی مثل زیبایی و خوش پوشی، نظم و ترتیب، وفای به عهد، لبخند به لب داشتن، و طنز و آراستگی سخن در ذهن کودکان به یادگار می‌ماند. حتی خوب آموختن می‌تواند یادگاری بسیار ارزشمندی برای دانش‌آموزان باشد. و همه‌ی این‌ها از لوازم اولیه‌ی مهربانی است.

۱. دریغانه ترجمه‌ی داریوش شایگان برای واژه‌ی نوستالژی است.

دی ماه

مناسبت‌های آیینی

۴ دی، ۱۷ ربیع‌الثانی

ولادت حضرت عیسی مسیح (ع)
ولادت حضرت عیسی مسیح (ع)، به عنوان یکی از پیامبران الهی صاحب کتاب، هر ساله جشن گرفته می‌شود. آن حضرت مانند اغلب پیامبران برای انجام رسالتش رنج بسیار کشید.



۲۰ دی، ۳ جمادی الاول

شهادت میرزا تقی خان امیر کبیر
میرزا تقی خان امیر کبیر یکی از وزیران متفکر و دلسوز تاریخ ایران بود. در دوران او اقدامات زیادی در کشور برای مردم انجام شد. مهم‌ترین اقدام امیر کبیر، راه‌اندازی مدرسه‌ی دارالفنون بود که دانش‌آموزان برجسته در آن درس می‌خواندند.

۲۲ دی، ۵ جمادی الاول

ولادت حضرت زینب (س)، روز پرستار

۳۰ دی، ۱۳ جمادی الاول

شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)

رویدادها

۹ دی

روز بصیرت و میثاق با ولایت

در این روز مردم معتقد به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه با رهبرشان تجدید پیمان می‌کنند.

مناسبت‌های آموزشی و عمومی

۳ دی

روز ثبت احوال

شناسنامه داشتن اهمیت زیادی دارد. هر کسی باید بداند اسمش چیست؟ پدر و مادرش چه کسانی هستند؟ در کجا به دنیا آمده است. شناسنامه را ثبت احوال، به عنوان یکی از نهادهای قوه‌ی قضاییه، به هر کسی که متولد می‌شود، می‌دهد. شناسنامه ملاک به رسمیت شناختن فرد در جامعه است. فرد بر اساس شناسنامه از همه‌ی حقوق شهروندی برخوردار می‌شود.



۵ دی

روز ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی

معمولاً در این روز، در مورد ایمنی در برابر زلزله برنامه‌هایی اجرا می‌شود. همه‌ی مردم از کودکی باید بدانند که در مواقع زلزله چه اقداماتی انجام بدهند.

مسابقه

ماهانمهی رشد آموزش ابتدایی تصمیم دارد طرح‌ها و فعالیت‌های شما را در زمینه‌ی «استفاده از مناسبت‌های تقویم در آموزش» به مسابقه بگذارد و به بهترین‌ها جایزه بدهد. شما می‌توانید ایده‌ها و کارهایتان را برای ما بفرستید تا در صورت مناسب بودن، آن‌ها را به نام خودتان چاپ کنیم و در نهایت به بهترین طرح‌ها جایزه و تقدیرنامه تقدیم کنیم.

آموزگار ماندگار

گفت‌وگو با سید داوود میرشفیعی لنگری معلم ماندگار استان مازندران

سید داوود میرشفیعی لنگری، معلم با احساس و ماندگار استان مازندران است. وقتی پای صحبتش می‌نشینم، گذر زمان را فراموش می‌کنم. آرام و بسیار متواضع است. دغدغه‌ی امروز و فردای دانش‌آموزان و معلمان را دارد. وقتی از گذشته و از معلمان تأثیرگذار در زندگی‌اش حرف می‌زند، چشمانش پر از اشک می‌شود. هنوز در آموزش و پرورش فعالیت دارد و معلمان جوان برایش ارزش بسیاری قائل هستند. آن‌ها هم دلشان می‌خواهد بنشینند پای صحبت‌مان و از خوبی‌هایش برایمان حرف بزنند که پر است از خاطرات تلخ و شیرین دور و نزدیک.



کردم و شب به آن گوش دادم، به خودم گفتم، این چه وضع املا گفتن است؟ سپس روش املا گفتنم را با روشی که در دوره‌های سپاه دانش آموخته بودم، مطابقت دادم. متوجه شدم هر آنچه انجام داده‌ام، اشتباه بوده است. یکی از هدف‌های آموزش املا بالا بردن حساسیت شنوایی دانش‌آموزان است و وقتی من چندین بار یک جمله را تکرار می‌کنم، نمی‌توانم این حس را در دانش‌آموز تقویت کنم. این بود که شیوه‌ام را تغییر دادم. نمونه‌ی این اتفاق برایم کم نبود. مدام کارم را نقد و بررسی کرده‌ام.

در دین ما آمده است، اگر در زندگی یا شغل‌تان رفتار مثبتی را با مشقت در وجودتان نهادینه کردید، بدانید پاداش زیادی از آن شما خواهد شد. من هم از جانب خداوند مورد محبت قرار گرفته‌ام و اگر تلاشی کرده‌ام، آن را از لطف و محبت پروردگار می‌دانم.

● برایمان خاطره هم بگویید.

از یک دانش‌آموز خواستم پای تخته بیايد و بنویسد نان. البته با رویکرد قبل از سال هشتاد کتاب که رویکرد جزء به کل بود. در حال حاضر رویکرد زبان‌آموزی از کل به جزء است. دیدم دارد با گچ روی تخته بازی می‌کند. متوجه شدم نمی‌تواند بنویسد. گفتم بخش کن، صدا بکش. بخش کرد و صدا کشید. اما در نوشتن روی صدای «ن» ماند. تازه «ن» را یاد گرفته بودند. گفتم، ببین، دقت کن، یک‌بار دیگر می‌گویم، شما دقت کن و ببین صدای آخرش چه صدایی است.

● چرا معلم شدید؟

در زندگی هر انسان افراد تأثیرگذار زیادی وجود دارند. من در زندگی دو معلم داشتم که چنان از کودکی مرا شیفته‌ی معلمی کردند که نمی‌توانستم به جز آن شغلی انتخاب کنم. یکی از آن‌ها فردی به نام مدیر نورایی بود. من ایشان را ندیدم. او قبل از تولد من، با خانواده‌ی ما در ارتباط بوده، اما آن‌قدر خانواده‌ام و افرادی که ایشان را می‌شناختند از ایشان حرف می‌زدند، که من در خیالم با او زندگی می‌کردم. به نظرم آدم عجیبی می‌آمد، چون همه چیز را می‌دانست و من هم از همان طفولیت دلم می‌خواست مدیر نورایی بشوم. آموزگار دومم، مرحوم جواد فرزانه، یک آموزگار کامل بود. من در دوران کودکی و دانش‌آموزی در روستای فرح‌آباد ساری به چشم می‌دیدم که همه چقدر برایش ارزش قائل بودند و در تمام تصمیم‌گیری‌ها از او نظر می‌خواستند. زمانی که در کوچه‌های محل راه می‌رفت، کسی جلوتر از او قدم بر نمی‌داشت. بسیار منظم بود. آرزو داشتم روزی مانند مدیر نورایی و مدیر فرزانه در دل مردم جای بگیرم و معلم خوب و تأثیرگذاری باشم. این شد که برای خدمت سربازی به سپاه دانش رفتم و شغل معلمی را برگزیدم.

● در مورد شیوه‌ی معلمی‌تان برایمان بگویید.

شیوه‌ی معلمی من، نقد شیوه‌ی تدریسم توسط خودم بود. با اولین حقوق معلمی، یک ضبط صوت فیلیپس خریدم تا صدایم را ضبط کنم. مثلاً، اولین بار که صدایم را ضبط



نوشتیم. حال می‌گوییم: آقا معلم، خانم معلم، شما هم جرئت کن، این کار را انجام بده و بگذار تجربه‌هایت برای همکاران و نسل‌های بعد بماند.

در اینجا باید از آقای سیدعیسی میرشفیعی هم تشکر کنم. ایشان خودش آشنای کار بود و در زمینه‌ی آموزشی ایده‌های بسیار عالی داشت و مرا در نوشتن تجربه‌هایم تشویق کرد.

● **اجازه می‌خواهم بپرسم، اگر برگردید و دوباره بخواهید شغلی برگزینید، آیا دوباره معلمی را انتخاب می‌کنید؟**

دو انسان چنان روی من اثر گذاشتند که اگر صد بار برگردم، باز هم با افتخار معلمی را برمی‌گزینم. باور کنید من بارها می‌توانستم آموزگاری را با شرایط و پست‌های دیگری عوض کنم، اما هرگز نپذیرفتم. هنوز هم حسن می‌کنم تا آموزگاری فاصله‌ی زیادی دارم.

● **آموزگار ماندگار در یک نگاه**

راهبر آموزشی

مدرس کتاب‌های جدیدالتألیف

مدرس روش‌های تدریس در تربیت معلم، از سال ۷۰ تا به حال

مدرس دفتر تألیف در رویکرد جدید سال‌های ۹۰ و ۹۱

مدرس تربیت معلم کلاس‌های چندپایه در سال ۹۴

داور جشنواره‌ی تدریس استانی و کشوری از سال ۷۳ تاکنون

مؤلف محتواهای پیش‌دبستانی استان مازندران

همکار تألیف کتاب روش‌های تدریس علوم تجربی پنج پایه در سال ۸۱

معلم نمونه‌ی استانی سال ۸۰ و کشوری سال ۸۱

مؤلف کتاب‌های علمی برای معلمان و دانشجویان:

۱. روش‌های تقویت املا؛

۲. روش‌های آموزش انشا؛

۳. فعالیت‌های علمی علوم تجربی (در سه جلد)؛

۴. یک موقعیت خاص به نام چندپایه؛

۵. روش آموزش کلیدواژه‌ها در فارسی اول؛

۶. تکلیف شب؛

۷. کتاب کار ریاضی (در دو جلد)؛

۸. جزوه‌ی آموزشی برای معلمان و ناظران استانی (هشت جلد).

یک بار دیگر کلمه را تکرار کردم و نشانه‌ی آخر (صدای آخر) را کشیدم. گفتم (نان ن ن ن) او یکدفعه گفت: اینکه صدای اره موتوری پدرم است. گفتم: آهان، آفرین! پس تو صدای «ن» را بلدی.

خدا شاهد است همان‌جا به خودم گفتم چقدر ما معلمان غافلیم. دور و بر ما این همه صدای آشنا برای بچه‌ها هست و ما در کتاب‌ها دنبال آن‌ها می‌گردیم. این دانش‌آموز برای همیشه صدای «ن» را فهمید. گاهی که می‌خواستیم صدایش کنیم، به شوخی می‌گفتم: آره موتوری چطوری، و این تلنگری برای من بود.

این خاطره را گفتم تا بگویم چقدر خوب است در دوره‌های آموزشی‌مان برای معلمان جوان، از آن‌ها بخواهیم مهارت‌های خود را افزایش دهند و از طبیعت الهام بگیرند و دانش‌آموزان را به فضاهای اطرافشان حساس کنند.

● **چه شد به نوشتن کتاب روی آوردید؟**

به نظرم خوب است معلم تجربه‌های کلاسی خود را مکتوب کند، چون این تجربه‌ها به سختی به دست می‌آیند. من برای شما از ضبط صوتم و نقدهایی که از تدریسم می‌کردم، گفتم. دلم می‌خواست این تجربه‌ها را انتقال بدهم تا شاید بتوانم در ذهن همکارانم ایده‌ای ایجاد کنم. همه‌ی ما نسبت به دانش‌آموزان این مرز و بوم مسئولیم و انتقال تجربه می‌تواند راهگشا باشد. به نظرم ما معلمان ابتدایی در زمینه‌ی نوشتار و نگارش کتاب کمی ضعف داریم. من هر آنچه را انجام می‌دادم



ویژگی‌های مشق شب

هر پدر و مادری که فرزند مدرسه‌رو دارد، در فرایند تحصیل فرزندش به دنبال پاسخ این سؤال می‌گردد که آیا تمرین و نوشتن مشق و انجام تکالیف درسی ضرورت دارد؟ این کار چه تأثیری بر پیشرفت تحصیلی فرزندش دارد؟ هر فردی در دوران تحصیل خود مشق‌هایی نوشته و تکالیفی انجام داده است. بدیهی است، برخی با گریه و اشک و برخی بدون گریه و اشک مشق خود را می‌نویسند.

هدف از انجام تمرین، مشق و تکلیف درسی، یادگیری بهتر، مؤثرتر، سریع‌تر، حفظ و تداوم و تثبیت یادگیری است. بنابراین، مشق روش یادگیری و وسیله‌ای است برای تسلط فرد در یادگیری امری خاص.

- در تمرین و مشق باید به آمادگی از نظر ابعاد رشدی (جسمی، عاطفی و شناختی) توجه کرد.
- تمرین باید به منظور رسیدن به هدفی خاص داده شود. معلم باید مشخص کند چه تمرینی را برای چه کسی و به چه منظور تعیین می‌کند.
- تمرین باید جاذبه داشته و شادی‌آور باشد.
- تمرین نباید خسته‌کننده باشد. هدف یادگیری لذت‌بخش است. یادگیری در

حالت‌های خستگی، خواب‌آلودگی و ترس فایده ندارد.

- تمرین باید به اندازه باشد؛ نه خیلی زیاد که موجب دل‌سردی شود و نه خیلی کم که به یادگیری منجر نشود.
- تمرین باید حس موفقیت به کودک بدهد تا او احساس خودارزشمندی و اعتمادبه‌نفس پیدا کند.
- بازخورد مداوم معلم در تمرین و مشق دانش‌آموز مشهود باشد. معلم بهتر است مشق دانش‌آموز را ببیند و اگر تمرین خوب انجام شده بود، او را تشویق کند و اگر اشتباهی بود، راهکارهایی برای رفع آن بدهد. دانش‌آموز باید از نتیجه‌ی کار خود مطلع شود.
- تمرین و مشق باید واضح و روشن باشد.

- یادگیری بدون برنامه مؤثر نیست.
- ساعت انجام تمرین نباید خیلی زیاد باشد؛ تدریج و تناوب لازم است.
- تمرین باید براساس توانایی دانش‌آموز باشد، نه ناتوانی‌های او. ممکن است دانش‌آموزی با یک بار تمرین یاد بگیرد و یکی دیگر با چندین بار و دانش‌آموزی اصلاً نیاز به مشق نداشته باشد.
- تمرین باید با توجه به ظرفیت کلاس، به صورت فردی یا گروهی داده شود.
- می‌توان در انجام تمرین از وسایل و ابزار برای ارائه‌ی روش‌های جدید آموزشی استفاده کرد؛ مثلاً ضبط صدا و گوش دادن به آن، نوشتن املا با کمک همین صدای ضبط شده، گرفتن عکس از آموزش‌های جدید، و استفاده از کارت‌های آموزشی.
- تمرین باید از آسان به مشکل داده شود؛ اول ساده‌ترها، بعد پیچیده‌تر و مشکل‌ترها.
- تمرین باید در امتداد آموخته‌ها، مهارت‌ها و یادگیری‌های قبلی دانش‌آموز داده شود.
- تنوع در تمرین باید لحاظ شود. تمرین‌ها می‌توانند تلفیقی از درس‌ها را شامل شوند. برای دانش‌آموزی که متن درس را حفظ می‌کند و موقع املا جلو جلو می‌گوید و می‌نویسد، می‌توان از سایر کتاب‌ها یا مجلات رشد دیکته گفت. مشق شب هم می‌تواند از این منابع انتخاب شود.
- از تمرین نباید برای تنبیه استفاده کرد. در این وضعیت، مشق هیچ کمکی به یادگیری نمی‌کند. تمرین و مشق باید ویژگی‌های متعددی داشته باشند و همواره باید آن‌ها را در نظر گرفت.
- در شماره‌ی بعدی مجله، با توجه به این موارد، و با نگاهی نو به منظور جذاب شدن و تقویت تمرکز و توجه دانش‌آموز، چند پیشنهاد ارائه می‌کنم. این تمرین‌هایی می‌توانند به صورت تلفیقی از محتوای درس‌هایی مثل علوم، هدیه، مطالعات، ریاضی و در پایه‌ی ششم کار و فناوری و تفکر و پژوهش داده شوند.

ایجاد انگیزه و کاستن از ترس

دو نکته‌ی معلمی؛ برگرفته از کتاب «روابط معلم و دانش‌آموز» نوشته‌ی هایم گینات، ترجمه‌ی سیاوش سرتیپی

اندرزهایی برای ایجاد انگیزه

معلم‌ها غالباً از روان‌شناسان می‌پرسند چگونه می‌توان در دانش‌آموز انگیزه‌ی یادگیری ایجاد کرد. پاسخ این است: «در او احساس اطمینان و اعتماد ایجاد کنید تا بتواند شکست را متحمل شود.» عمده‌ترین مانع یادگیری ترس است: ترس از شکست، ترس از توبیخ، ترس از احمق به نظر آمدن. معلم کارآمد این امکان را برای هر دانش‌آموز فراهم می‌آورد که وقتی اشتباه می‌کند، خودش را از تنبیه و مجازات در امان بداند. از میان بردن ترس در دانش‌آموز، زمینه‌ای برای تلاش و کوشش در او ایجاد می‌کند. پذیرفتن اشتباه دانش‌آموز با روی خوش، او را به یادگیری تشویق می‌کند.

یکی از معلمان، برای آنکه میل به یادگیری را در دانش‌آموزانش برانگیزد، تشویقشان کرد که مفهوم شکست در زندگی‌شان را مورد بحث قرار دهند. دانش‌آموزان درباره‌ی ترسشان از شکست و نیز درباره‌ی رنج تحقیر صحبت کردند. معلم و شاگردانش، به عنوان نتیجه‌ی بحث، تعدادی اندرز انگیزه‌بخش را که راهنمای زیستن و یاد گرفتن در کلاس هستند، فهرست کردند و آن را جای مشخصی روی دیوار مقابل کلاس در معرض دید گذاشتند:

- در این کلاس اشتباه کردن مجاز است.
- خطا بلا نیست.
- اشتباه آموزنده است.
- آدم ممکن است اشتباه کند، اما نباید بر اشتباهش مصر باشد. نباید همه‌ی حواسش را به آن مشغول کند و نباید آن را توجیه کند.

● اشتباه برای اصلاح کردن است.

● اصلاح را باید با ارزش دانست، نه اشتباه را.

● آدم نباید اجازه بدهد شکست سبب اشتغال خاطر بشود.

کاستن از ترس دانش‌آموز

یکی از معلمان، در اولین هفته‌ی سال تحصیلی، نامه‌ای به هر یک از شاگردان کلاسش فرستاد. در این نامه نوشته بود: «من مشکلی دارم و به کمک شما محتاجم. من می‌خواهم همه‌ی بچه‌ها را تشویق کنم تا به سوالات پاسخ دهند. اما پی بردم که بعضی از آن‌ها می‌ترسند این کار را انجام دهند. می‌ترسند مسخره شوند. به کمکتان احتیاج دارم تا مطمئن شوم که اگر کسی اشتباه جواب داد، به او نخواهند خندید یا مسخره‌اش خواهند کرد. در کلاس ما جایز نیست حرف‌هایی زده شود یا حرکاتی انجام گیرد که معنی‌اش این باشد: «تو خنگی.» این قبیل حرف‌ها و حرکات رنجش پدید می‌آورد و مانع پیشرفت می‌شود. به جای حمله و شدن به نفر دیگر، بگویید: «من جواب دیگری دارم.»

این نامه، با آنکه خطاب به شاگردان کلاس نوشته شده بود، از نظر والدین آن‌ها نیز گذشت. این نوشته، والدین را با فلسفه‌ی معلم فرزندانشان آشنا کرد و نیز متذکر اعمال خود آنان شد. هر وقت که دانش‌آموزی اصل فوق را نقض می‌کرد، نسخه‌ای از این نامه برای تذکر به او فرستاده می‌شد.

معلمی دیگر، برای خلاص کردن دانش‌آموزان از ترس ناشی از غلط در

املا، به شاگردانش گفت: «املا لغات نامأنوس سخت است. کار مفیدی خواهد بود اگر شما حرف بی‌صدای اول آن کلمه‌ی سخت را بنویسید و بعدش هم یک خط تیره بکشید. من از طریق این نشانه و بافت جمله‌تان می‌فهمم که کدام کلمه مورد نظرتان است و وقتی نوشته‌تان را می‌خوانم، آن را روی کاغذتان می‌نویسم.» واکنش دانش‌آموزان این بود که نشستند و تا می‌توانستند داستان و شعر و نامه نوشتند. در یک مدرسه، برای کاستن از ترسی که دانش‌آموز از امتحان دارد، برنامه‌ی منظم زیر تهیه و اجرا شد: قبل از امتحان اصلی، سوالات امتحانی زیادی به دانش‌آموزان دادند. این تست اساساً همان سوالات امتحانی بود و علاوه بر آن، شامل چند موضوع جدید می‌شد. بچه‌ها از این کار خوششان آمد. چون سؤال‌ها را از قبل می‌دانستند، از اضطرابشان کاسته شد، و از آنجا که می‌دانستند چه چیزی مطالعه کنند، کوشش بیشتری به خرج دادند و مطالب بیشتری به ذهنشان سپردند.



اعداد تقریبی و تخمین

(بخش دوم)

مطالبی برای افزایش دانش موضوعی ریاضی معلمان

در کتاب‌های درسی ریاضی دوره‌ی ابتدایی موضوع‌هایی هستند که یا دانش‌آموزان در یادگیری آن‌ها مشکل دارند یا معلمان در یاددهی آن‌ها. در این دوره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، در هر شماره درباره‌ی یکی از آن‌ها صحبت می‌کنیم. قصد نداریم در اینجا روش تدریس بیان کنیم، بلکه آن را به‌عنوان یک موضوع یا مفهوم ریاضی بررسی خواهیم کرد تا دانش موضوعی خود را برای تدریس بهتر آن افزایش دهیم.

تخمین زدن در زندگی روزمره بسیار کارگشاست، مانند زمانی که مجبوریم محاسباتی انجام دهیم؛ مثلاً قیمت کالایی را پس از تخفیف حساب کنیم یا برای اینکه ببینیم اصلاً در کارت بانکی مان به اندازه‌ی کافی پول داریم یا نه، باید مجموع خریده‌هایمان را به دست بیاوریم. این دست محاسبات را که غالباً با قیمت‌ها و خرج و دخلمان مرتبط است، می‌توانیم با راهبردهای محاسبات ذهنی، یا با استفاده از رویه‌های متداول محاسباتی، یا ماشین حساب انجام دهیم، اما در بسیاری از موارد، اصلاً نیازی به انجام محاسبه‌ی دقیق و یافتن مقدار دقیق مورد نظر نداریم و همین که تقریب خوبی از پاسخ داشته باشیم، برایمان کافی است. در اینجاست که موضوع تقریب اعداد و تخمین در محاسبات به میان می‌آید. علاوه بر این‌ها، گاهی هم وزن یک بسته، زمان انجام یک کار، فاصله از جایی یا تعداد اشیای داخل یک بسته را لازم داریم. در این موارد نیز با تخمین سروکار داریم؛ منتها با تخمین در اندازه یا تعداد.

لازم است بتوانیم به جای عددهای اصلی، عددهای تقریبی مناسبی را جایگزین کنیم. در این شماره و شماره‌ی آینده با تخمین و انواع آن آشنا می‌شویم: تخمین در انجام چهار عمل اصلی اعداد (جمع، تفریق، ضرب و تقسیم اعداد صحیح و اعشاری و کسری)؛ تخمین در شمارش تعداد؛ تخمین در اندازه‌گیری. همچنین، با مرور مطالب شش کتاب ریاضی دوره‌ی ابتدایی، روند آشنایی دانش‌آموزان با تخمین در دوره‌ی ابتدایی را در جدولی بررسی خواهیم کرد.

توانایی «تخمین» یکی از توانایی‌های فرایندی در ریاضیات است که نه تنها در اصول و استانداردهای آموزشی بسیاری از کشورها، که در برنامه‌ی درسی ملی ایران نیز بر آن تأکید شده است. در برنامه‌ی درسی ملی ایران، در بخش مربوط به قلمرو حوزه‌ی ریاضیات، از **تخمین زدن و دقت یافتن** به‌عنوان دو فرایند از فرایندهای ریاضی نام برده شده است که دانش‌آموزان باید با آن‌ها آشنا شوند و در آن‌ها مهارت یابند. «محاسبات تخمینی» از مهارت‌های سطح بالا در تفکر است که به تصمیم‌گیری‌های زیادی نیاز دارد. اول، باید تصمیم گرفت چه موقع به جای محاسبات دقیق، حاصل تخمینی را به‌دست آورد (این تصمیم به زمینه‌ی مسئله‌ی موردنظر وابسته است)؛ دوم، باید تصمیم گرفت با کدام روش حاصل تخمینی موردنظر را به دست آورد (این تصمیم به نوع محاسبات یا نوع تخمین و دقتی که لازم داریم مرتبط است)؛ و بالاخره، باید تصمیم گرفت مقدار تخمینی به دست آمده تا چه اندازه مناسب است و چقدر به مقدار واقعی نزدیک است (این موضوع به درک عددی ما وابسته است).

در مطلب شماره‌ی گذشته‌ی این مجله، با مفهوم تقریب‌زدن آشنا شدیم و انواع روش‌های تقریب را مرور کردیم، زیرا بسیاری مواقع، برای تخمین در محاسبات،

تخمین در محاسبات چهار عمل اصلی

عبارت زیر را ببینید:

$$(752 - 3 \times 14) \div 71$$

شما چگونه حاصل این عبارت را به دست می آورید؟ خُب، یک راه این است که از همه ی الگوریتم‌هایی که برای چهار عمل اصلی یاد گرفته‌اید استفاده کنید و بدون فکر یا خلاقیت، تنها عملیات خواسته شده را به ترتیب اولویت قرار داده شده در عبارت‌های ریاضی انجام دهید: یعنی اول ضرب 3×14 ، بعد تقریق حاصل ضرب به دست آمده از 752، و بالاخره تقسیم عدد به دست آمده بر 71. برای این کار به مداد و کاغذ نیاز دارید. اما یکی از موضوعاتی که امروزه در آموزش ریاضیات به کودکان بسیار مورد توجه است، این است که به کودکان اجازه بدهیم راهبردهای شخصی خودشان را برای محاسبات چهار عمل اصلی بسازند و از آن‌ها استفاده کنند. بگذارید من راهبرد شخصی خودم برای یافتن حاصل عبارت بالا را به شما نشان بدهم تا متوجه منظورم بشوید. تصویر مقابل را ببینید.

ممکن است بگویید همیشه به این خوش‌شانسی نخواهم بود که بتوانم محاسبات را با چنین راهبردهایی انجام بدهم. این حرف می‌تواند درست باشد، ولی در مواردی که بتوان با میان‌برهایی

محاسبات تخمینی و محاسبات ذهنی

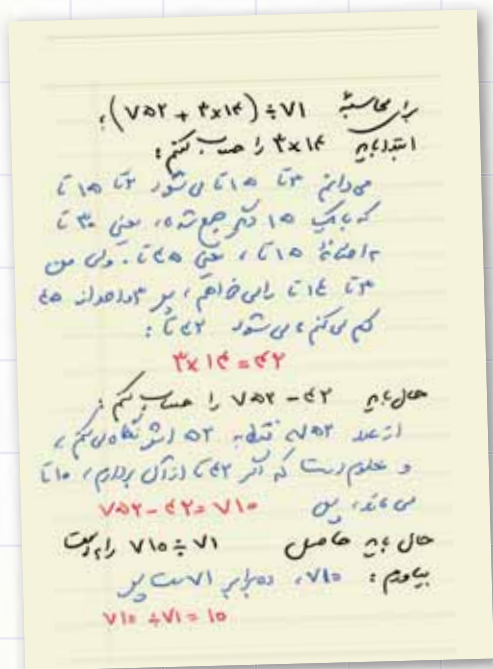
دو مهارت متفاوت هستند، ولی به هم بسیار وابسته‌اند. برای انجام محاسبات تخمینی، با اعدادی که کار کردن با آن‌ها برایمان ساده‌تر است، محاسبات ذهنی انجام می‌دهیم.

شخصی محاسبات را ذهنی و سریع‌تر از انجام الگوریتم‌های استاندارد انجام داد، خوب است که چنین عمل کنیم. باز ممکن است بگویید چه نیازی هست که وقت و فکرمان را برای کشف و انجام راهبردهای شخصی هدر دهیم؟ کمترین نفع چنین کاری، کمک به محاسبات تخمینی است که همه روزه درگیر آن‌ها هستیم. موضوع اصلی این مطلب تخمین است و صحبت از راهبردهای شخصی برای یافتن مقدار دقیق عبارت‌هایی ربط به نظر می‌رسد. اما این موضوع را مطرح کردیم تا به این نکته‌ی مهم اشاره کنیم که همان قدر که در خلق راهبردهای شخصی باید درک خوبی از عددها داشته باشیم و ارتباط بین عددها را بشناسیم، یعنی «حس عددی» خوبی داشته باشیم، برای تخمین در محاسبات نیز نیازمند حس عددی هستیم. در ادامه‌ی این مطلب، چند روش در تخمین محاسبات با عددهای صحیح آمده است.



با انواع تخمین آشنا شوید

1. **تخمین در اندازه:** یعنی بدون اندازه‌گیری دقیق، اندازه‌ی موردنظر را به صورت تقریبی بیان کنیم. مانند طول یک راهرو یا وزن یک بسته یا زمان رسیدن به یک محل.
2. **تخمین در تعداد:** یعنی بدون شمارش دقیق، تعداد اعضای یک مجموعه را بیان کنیم. مانند تخمین تعداد دانش‌آموزان یک کلاس یا تعداد میوه‌های داخل یک ظرف.
3. **تخمین در محاسبات:** یعنی بدون انجام محاسبات دقیق، حاصل یک عبارت را به صورت تقریبی به دست بیاوریم.



تخمین حاصل جمع: برای تخمین حاصل جمع دو یا چند عدد، چند روش وجود دارد:

● عددهای مورد نظر را با تقریب مناسب گرد می‌کنیم و حاصل عددهای گرد شده را به دست می‌آوریم. مثال:

$$۷۵۶ + ۱۲۷ \approx ۸۰۰ + ۱۰۰ = ۹۰۰$$

پس حاصل $۷۵۶ + ۱۲۷$ تقریباً ۹۰۰ است.

● ابتدا عددها را با تقریب مناسب قطع می‌کنیم و حاصل عددهای قطع شده را به دست می‌آوریم. برای اینکه خطای محاسبه کمتر باشد، مقادیر قطع شده را نیز به صورت تقریبی با هم جمع می‌کنیم. مثال:

$$\begin{aligned} ۷۵۶ + ۱۲۷ &\approx ۷۰۰ + ۱۰۰ = ۸۰۰ & \text{اول} \\ ۵۶ + ۲۷ &\approx ۶۰ + ۳۰ = ۹۰ & \text{دوم} \\ ۷۵۶ + ۱۲۷ &\approx ۸۰۰ + ۹۰ = ۸۹۰ & \text{پس} \end{aligned}$$

می‌بینید که حاصل‌های ۹۰۰ و ۸۹۰ (از دو روش بالا) خیلی به هم نزدیک‌اند.

● عددها را بر اساس شناختی که از اعداد داریم گروه‌بندی و پس از آن جمع می‌کنیم. این روش برای یافتن حاصل جمع چند عدد مناسب است. مثال:

$$۱۷ + ۳۳ + ۵۶ + ۱۴ = ۲۰ + ۳۰ + ۶۰ + ۱۰ = ۱۲۰$$

این روش به محاسبات ذهنی بسیار شبیه است. اگر عددها این طور با هم جور نباشند، تخمین و تقریب خود را نشان می‌دهند. مثال:

$$۱۷ + ۳۴ + ۵۵ + ۱۶ \approx ۱۷ + ۳۳ + ۵۵ + ۱۵ = ۲۰ + ۳۰ + ۶۰ + ۱۰ = ۱۲۰$$

تخمین در تفریق و ضرب و تقسیم: مشابه جمع، روش‌های متعددی برای تخمین در یافتن حاصل تفریق یا حاصل ضرب یا حاصل تقسیم دو عدد وجود دارد. مهم‌ترین آن‌ها که در کتاب‌های درسی ابتدایی نیز معرفی شده، این است که عددها را با تقریب مناسبی گرد کنید و اعداد گرد شده را در محاسبات استفاده کنید. این مثال‌ها را ببینید:

$$\begin{aligned} ۱۷۶ - ۲۷ &\approx ۲۰۰ - ۳۰ = ۱۷۰ \\ ۱۷۶ \times ۲۷ &\approx ۲۰۰ \times ۳۰ = ۶۰۰۰ \\ ۱۷۶ \div ۲۷ &\approx ۱۸۰ \div ۳۰ = ۶ \end{aligned}$$

● روش دیگری که در تفریق و تقسیم خیلی کاربرد دارد، این است که عدد دوم را به عددی نزدیک کنیم که عملیات با آن راحت‌تر باشد. مثال‌های زیر را ببینید:

$$۱۲۴ - ۷۶ \approx ۱۲۴ - ۷۴ = ۵۰$$

اگر به جای ۷۶ داشته باشیم، تفریق راحت‌تر است، زیرا ۴ ها با هم می‌روند.

$$۴۸ \div ۹ \approx ۴۸ \div ۸ = ۶$$

اگر به جای ۹ ، ۸ داشته باشیم، تقسیم راحت‌تر انجام می‌شد.

● روش دیگری که در تقسیم کاربرد دارد، این است که تقسیم را به صورت ضرب در نظر بگیریم و ببینیم عدد مجهول ما به چه عددی نزدیک‌تر است؟ مثال زیر را ببینید:

حاصل تقسیم $۳۴۲ \div ۷۱$ را می‌خواهیم. در واقع، دنبال عددی هستیم که اگر در ۷۰ ضرب شود، حاصل ۳۴۲ شود: $\square \times ۷۱ = ۳۴۲$. می‌دانیم که ۳۵۰ مضربی از ۷۰ است و از ضرب ۵ در ۷۰ به دست می‌آید. از طرف دیگر، ۳۴۲ تقریباً با ۳۵۰ برابر است و ۷۱ تقریباً با ۷۰ . پس حاصل $۳۴۲ \div ۷۱$ تقریباً برابر ۵ است:

$$۳۴۲ \div ۷۱ \approx ۵$$

نقد دوستانه

کتاب‌های ریاضی شش پایه‌ی ابتدایی را صفحه به صفحه و خط به خط بررسی کردیم و تمام موضوعاتی را که به شکلی به تقریب و تخمین ارتباط دارند، به طور خلاصه در جدول نوشتیم. البته ممکن است قسمت‌هایی از چشم ما دور مانده باشند. لطفاً شما جدول را به دقت کامل کنید. آنچه در این بررسی جلب توجه می‌کند، این است که در ریاضیات دوره‌ی ابتدایی کشور ما، به آموزش تخمین در شمارش تعداد و تخمین در اندازه‌گیری خیلی کم پرداخته شده است. همچنین، در تخمین در محاسبات، اصلاً محاسبات تخمینی با عددهای کسری وجود ندارند و محاسبات تخمینی با عددهای اعشاری نیز بسیار محدودند. محاسبات تخمینی چهار عمل اصلی عددهای طبیعی که از پایه‌ی دوم در کتاب ریاضی آمده است، بدون برنامه‌ی منسجمی، در پایه‌های سوم تا پنجم کم‌رنگ می‌شود و فصل هفتم کتاب ششم که موضوعش فقط «تقریب» است، به تقریب زدن‌های پایه‌های قبل متصل و مرتبط نمی‌شود. موضوعات این مجموعه نوشته‌ها، آشنایی معلمان با تقریب و تخمین و استفاده‌ی آگاهانه‌ی آن‌ها از موقعیت‌های مختلف برای توسعه‌ی توانایی تخمین در دانش‌آموزان را بیشتر می‌کند.

تخمین در محاسبات چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱. به صورت ذهنی و بدون نیاز به محاسبه روی کاغذ انجام می‌شود؛
۲. به سرعت انجام می‌شود؛
۳. جواب‌هایی به ما می‌دهد که برای تصمیم‌گیری ما کافی هستند؛ حتی اگر دقیق نباشند.

برای تخمین خوب و مناسب چه توانایی‌هایی لازم دارید؟

برای اینکه بتوانید تخمین‌های خوبی بزنید، باید «حس عددی» خود را تقویت کنید؛ یعنی درک خوبی از بزرگی عددها داشته باشید. همچنین، در تخمین اندازه‌ها، باید واحدهای اندازه‌گیری و بزرگی آن‌ها را به خوبی بشناسید.

جدول موضوعات مرتبط با تخمین و تقریب در کتاب‌های ریاضی ابتدایی

پایه	صفحه	موضوع
دوم	۸	حس بزنی پایین صفحه، که تخمین تعداد است.
	۲۰-۲۲	«جمع و تفریق ده‌تایی» برای توسعه‌ی توانایی محاسبات ذهنی که در محاسبات تخمینی استفاده می‌شود.
	۲۲	یافتن مکان تقریبی یک عدد روی محور.
	۳۰	یافتن مکان تقریبی یک عدد روی محور و توجه به مناسب بودن تقریب با بررسی «نزدیک بودن» به عددهای دیگر.
	۳۳	تقریب اعداد و یافتن حاصل جمع یا حاصل تفریق.
	۶۴-۶۵	عددهای سهرقمی تقریبی و تقریب‌زدن با روش قطع کردن.
	۶۶-۶۹	جدول ضرب‌های ده و فعالیت‌هایی برای جمع ضرب‌های ده به منظور توسعه‌ی توانایی محاسبات ذهنی که در محاسبات تخمینی استفاده می‌شود. (تمرین‌های ۴ و ۵ ص ۶۹ درباره‌ی تقریب به روش قطع کردن و یافتن حاصل جمع یا تفریق تقریبی است).
	۷۴-۷۹	موضوع اصلی این صفحات، واحدهای استاندارد اندازه‌گیری و تقسیم واحد اصلی به واحدهای کوچک‌تر برای بالا بردن «دقت» در اندازه‌گیری است. می‌بینید که کاملاً با موضوع اندازه‌گیری تخمینی در هم تنیده می‌شود. موضوع دقت در اندازه‌گیری در صفحه‌های ۸۰ تا ۸۷ و در معرفی واحدهای سانتی‌متر و میلی‌متر نیز ادامه دارد.
	۹۶-۹۷	روش محاسبات ذهنی که در محاسبات تخمینی استفاده می‌شود.
	۱۳۶-۱۳۸	استفاده از تقریب در ترسیم نمودارهای آماری.
سوم	۳۷	یافتن مکان تقریبی یک عدد روی محور؛ تقریب به روش قطع کردن.
	۴۰	تمرین‌های ۴ و ۵ که درباره‌ی تخمین در اندازه‌گیری هستند.
	۴۸	تمرین‌های ۱ و ۴ که در واقع درباره‌ی تخمین در اندازه‌گیری هستند تا به کمک آن کسرهای شکل‌ها را بیان کنند.
	۱۰۰	استفاده از روش قطع کردن و عددهای تقریبی برای مقایسه‌ی اعداد چندرقمی.
	۱۰۲	استفاده از روش قطع کردن و عددهای تقریبی برای یافتن حاصل جمع و تفریق اعداد چندرقمی.
	۱۰۴	توسعه‌ی توانایی محاسبات ذهنی که در محاسبات تخمینی استفاده می‌شود.
	۱۴۰ و ۱۴۳	یافتن حاصل ضرب تقریبی.
	۱۴۱	توسعه‌ی توانایی محاسبات ذهنی که در محاسبات تخمینی استفاده می‌شود.
	۵۵	تمرین‌های ۱ و ۳ که می‌توانند برای توسعه‌ی روش محاسبات ذهنی در ضرب که در محاسبات تخمینی استفاده می‌شود، به کار روند.
	۵۶-۵۹	تقریب اعداد با روش گرد کردن؛ محاسبات تخمینی (ضرب و تقسیم) با اعداد تقریبی؛ نمایش تقریبی اعداد روی محور.
چهارم	۹۰	یافتن مکان تقریبی یک عدد اعشاری روی محور و افزایش دقت نمایش با تقسیم کردن واحدها به قسمت‌های کوچک‌تر.
	۹۴	جمع تقریبی اعداد اعشاری با روش قطع کردن بخش اعشار.
	۹۶	فعالیت ۲ که درباره‌ی حاصل تقریبی تفریق است.
	۹۹-۱۰۰	حاصل ضرب اعداد اعشاری در ضرب‌های ده که به توسعه‌ی توانایی محاسبات ذهنی مورد استفاده در محاسبات تخمینی کمک می‌کند.
	۱۲۶-۱۳۳	استفاده از عددهای تقریبی در آمار.
	۴۶	تمرین ۵ که درباره‌ی جمع و تفریق ذهنی اعداد اعشاری است و در محاسبات تخمینی استفاده می‌شود.
	۴۸-۵۰	فعالیت‌هایی درباره‌ی ضرب و تقسیم ذهنی اعداد اعشاری که در محاسبات تخمینی استفاده می‌شود.
	۸۹	تخمین در اندازه‌گیری (طول).
	۹۶	تخمین در اندازه‌گیری (جرم).
	۹۷	تمرین ۶ که تخمین در اندازه‌گیری (گنجایش) است و تخمین در محاسبات اعشاری.
ششم	۱۰۱	تمرین ۲ که تخمین در اندازه‌گیری (مساحت) است.
	فصل ۷: ص ۱۴۴ تا ۱۳۱	مفهوم تقریب؛ روش قطع کردن؛ روش گرد کردن؛ اندازه‌گیری و محاسبه‌های تقریبی.

منابع
 Teaching
 I. Van de Walle, J.A., Karp K.S., Bay-Williams, J.M., Wray, J. (2013). Elementary and middle school mathematics: Teaching developmentally (eighth edition). NJ: Pearson.
 ۲. ریس، رابرت ای. سایدام، مرلین. ن. لیندکویست، مری مونگومری (۱۳۷۷). کمک به کودکان در یادگیری ریاضیات ترجمه مسعود نوروزیان. انتشارات مدرسه چاپ اول.

مهارت تصمیم‌گیری

یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی مهارت تصمیم‌گیری است. انسان‌ها از دوران کودکی و در همه‌ی عمرشان همواره در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که باید «انتخاب» کنند و «تصمیم» بگیرند. اگر از دوران کودکی روش صحیح تصمیم‌گیری را به کودکان آموزش دهیم، آن‌ها را برای قدم گذاشتن در مسیر زندگی کم‌خطا آماده می‌کنیم.

مفهوم «انتخاب کردن» آشنا می‌کنند. کودک می‌فهمد و می‌داند که باید فکر کند، پیش خود سبک و سنگین کند و دست به انتخاب بزند.

برای آموزش مهارت تصمیم‌گیری به دانش‌آموزان، ابتدا در مورد انتخاب و اهمیت انتخاب درست صحبت کنید. می‌توانید مفهوم انتخاب را با مثال‌های ساده و قابل اجرا در کلاس روشن‌تر و قابل فهم‌تر کنید.

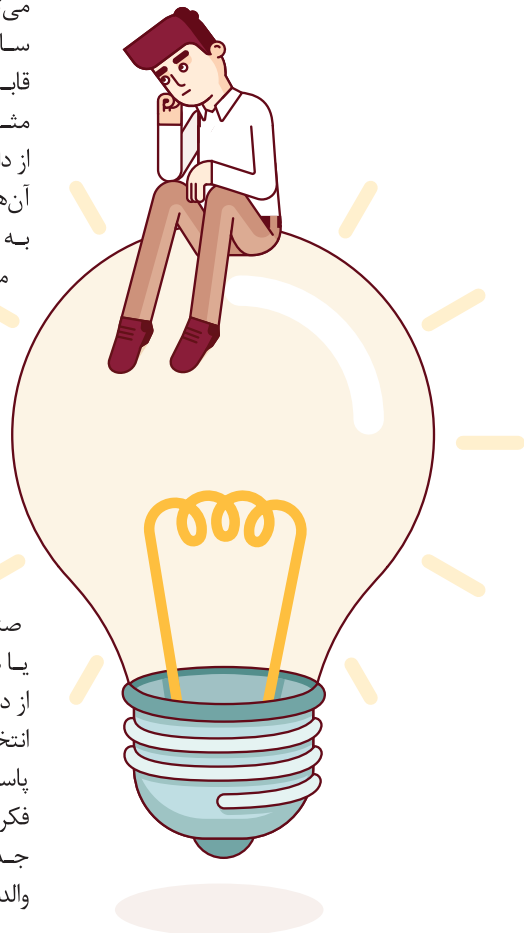
مثلاً به تابلوهای کلاس اشاره کنید و از دانش‌آموزان بخواهید درباره‌ی جای آن‌ها صحبت کنند. برای نمونه: آرمان، به نظرت این تابلو همین جا که هست مناسب است، یا اگر جایش را عوض کنیم بهتر می‌شود؟

یا می‌توانید موارد دیگر را مثال بزنید:

- سعید، به نظرت رنگ پرده‌های کلاس خوب است یا بهتر بود کمی تیره‌تر یا روشن‌تر می‌بودند؟

- مجید، به نظر تو بهتر است صندلی‌ها دور تا دور کلاس چیده شوند یا همین‌طور پشت هم قرار بگیرند؟ از دانش‌آموزان داوطلب بخواهید در مورد انتخاب‌ها صحبت کنند. برای بعضی از پاسخ‌هایشان دلیل بخواهید. بخواهید فکر کنند، صحبت کنند و توضیح دهند. جدا از محیط کلاس، در وهله‌ی اول، والدین می‌توانند به راحتی مفهوم

کودکان با رشد شناختی و با ورود به عرصه‌ی زندگی اجتماعی، خیلی زود متوجه می‌شوند که زندگی متشکل از گستره‌ی مسائل مختلف است؛ از مسائل ساده‌ی زندگی تا ارتباط با همسالان و انجام تکالیف و حتی پوشش در محیط‌های اجتماعی که همگی او را با



انتخاب کردن را از کودکی به فرزندانشان آموزش دهند.

کودکان از همان سال‌های اول و دوم زندگی به تدریج با رشد شناختی، با مفهوم مقایسه کردن دو شیء یا دو فرد آشنا می‌شوند. انتخاب در مورد موارد «انتزاعی» با رشد کودکان و در محیط‌های متفاوت اجتماعی شکلی جدی به خود می‌گیرد.

والدین از همان سال‌های اولیه می‌توانند بستر تفکر و انتخاب را برای کودکانشان فراهم آورند؛ در مواردی مثل:

● انتخاب رنگ و شکل لباس:

والدین باید انتخاب لباس کودکان را به عهده‌ی خود آنان بگذارند و در حین واگذاری این مسئولیت، باید‌ها و نباید‌های فرهنگی در مورد پوشش را نیز آموزش دهند.

● انتخاب بازی و ابزار بازی: برای

مثال، الان دوست داری کدام بازی را با هم انجام دهیم؟ دوست داری چه



اسباب‌بازی‌ای برایت بخرم؟ (بهتر است سقف قیمت و شرایط اسباب بازی مناسب برای کودکان توضیح داده شود تا با مفهوم مدیریت مالی هم آشنا شوند).

● **انتخاب میوه و خوراکی**
● **انتخاب نوع تفریحات، مثلاً پارک یا سینما یا شهر بازی**

مواردی از این دست می‌توانند کودک را به فردی پویا، اهل تفکر و اهل انتخاب تبدیل کنند. در عین حال که درست‌ها و نادرست‌ها در انتخاب کردن و مسئولیت‌پذیری را نیز به او می‌آموزند. در محیط آموزشی کلاس نیز مفهوم انتخاب به خوبی قابل آموزش است. دو یا چند موقعیت خوب مثل دعوت شدن به جشن تولد و داشتن بلیط سینما را به صورت هم‌زمان مثال بزنید و بخواهید دانش‌آموزان دست به انتخاب بزنند. دو یا چند موقعیت ناخوشایند مثل تحمل بیماری و تحمل آمپول دردناک را هم مثال بزنید و بخواهید انتخاب کنند.

دو موقعیت متناقض ناخوشایند و خوشایند را مثال بزنید: رعایت رژیم غذایی و خوردن پیتزا و بخواهید دانش‌آموزان انتخاب کنند.

از هر دانش‌آموز داوطلب بخواهید دلیل انتخابش را توضیح دهد. برای دانش‌آموزان توضیح دهید انتخاب خوب آن است که پشیمانی به دنبال نداشته باشد. این مستلزم آن است که راجع به انتخاب‌هایمان به خوبی فکر کرده باشیم.

از دانش‌آموزان بخواهید در گروه‌های دو یا چند نفره در مورد تجربیاتشان صحبت کنند؛ موقعیت‌هایی که در آن‌ها باید دست به انتخاب می‌زدند و اینکه چطور این کار را کرده‌اند.

فرصت دهید دانش‌آموزان گفت‌وگو کنند. گفت‌وگو اهمیت انتخاب را برای آنان روشن‌تر می‌کند. راهکارهایی را برای تصمیم‌گیری بهتر آموزش دهید: - قبل از تصمیم‌گیری باید به اندازه‌ی کافی فکر و بررسی کنیم. - جوری تصمیم بگیریم که پشیمانی به

دنبال نداشته باشد.

- پیش از تصمیم‌گیری، با بزرگ‌ترها و دیگران مشورت کنیم؛ مشورت کردن همیشه استرس ما را کمتر می‌کند و راه‌های بهتری در اختیارمان قرار می‌دهد.

- هر تعداد انتخاب و فکر را که به ذهنمان می‌رسد، روی یک کاغذ بنویسیم.

- این انتخاب‌ها را بررسی کنیم؛ یعنی مزایا و معایب تصمیم‌ها را بنویسیم.

- مزایا و معایب هر تصمیم را با یکدیگر مقایسه کنیم.

برای تمرین پایانی، چند موقعیت متفاوت را مثال بزنید و به دانش‌آموزان فرصت دهید تصمیم بگیرند و نتایج را اعلام کنند.

نکته‌ی مهم

مهارت‌های زندگی با تمرین ایجاد می‌شوند. صحبت کردن، به تنهایی، تأثیر زیادی در ایجاد مهارت ندارد. مهارت‌ها باید با روش‌هایی مثل نمایش یا موقعیت‌های خاص تمرین شوند.



یک مدرسه‌ی ژاپنی در هشت پرده گزارشی از مدرسه‌ی آی‌چی در ژاپن

یکی از ویژگی‌های آموزش و پرورش ژاپن این است که آموزش و پرورش عمومی، آموزش تخصصی و تحصیلات تکمیلی همه زیر چتر یک وزارتخانه قرار می‌گیرند. این ویژگی امکان تعامل، هماهنگی، ارتباط معنادار آموزشی و تحقیقاتی را فراهم می‌کند و سبب می‌شود استاد دانشگاه در مدرسه حضور آموزشی و تحقیقاتی داشته باشد. در مواردی، حتی در بخشی از سال، نقش اجرایی و مدیریتی در آموزش عمومی یا حتی پیش‌دبستانی هم ایفا کند. به این دلیل، وجود مدرسه‌های وابسته به دانشگاه در ژاپن کاری رایج است. در بازدیدهایی که از چند مدرسه داشتیم، بزرگی مساحت مدرسه‌ها مشهود بود. گفته‌های برخی متخصصان آشنا به آموزش و پرورش ژاپن نیز از اختصاص فضاهای بزرگ به مدرسه‌ها حکایت دارد. این در حالی است که زمین در ژاپن، به دلیل محدودیت، حائز اهمیت است و بسیار حساب‌شده از آن استفاده می‌شود. گزارشی که در زیر می‌خوانید گشت و گذاری دو ساعته در یکی از این مدرسه‌هاست.

ویژگی‌های برجسته‌ی مدرسه

۱ راهروهای مدرسه

عرض راهرو تقریباً نصف عرض معمول راهروهای مدرسه‌های کشور ماست، اما کلاس‌ها بزرگ‌ترند. هر کلاس دو در به سمت راهرو و پنجره به سمت حیاط دارد. به سمت راهرو نیز هم‌هانش پنجره است و کلاس کاملاً پیداست. برخلاف مدرسه‌های ایران، راهرو در وسط ساختمان نیست، بلکه کنار ساختمان و فقط یک طرف کلاس است. به این ترتیب، راهرو نیز به سمت حیاط



شده‌اند. در کلاس‌های پایه‌های چهارم، پنجم و ششم، یک کلاس به آن دسته از دانش‌آموزان ژاپنی اختصاص دارد که پیش از این در کشورهای دیگر تحصیل کرده‌اند.

در این کلاس‌ها بیشتر زبان ژاپنی آموزش داده می‌شود و با روش‌های شاد و توأم با بازی، مراحل آموزش تطبیقی طی می‌شود. در سایر کلاس‌ها حدود ۴۰ نفر دانش‌آموز در هر کلاس حضور دارند.

دبستان «آی‌چی» در شهر «ناگویا»، در زمینی بزرگ و در چهار بلوک ساختمانی احداث شده است. هر بلوک دارای سه طبقه است و طبقات هر بلوک از طریق پل به هم ارتباط دارند. چینش کلاس‌ها به نحوی است که کلاس‌های هم‌پایه در مجاورت هم قرار دارند. علاوه بر آن، مدرسه زمین بزرگ ورزشی، استخر شنا، استخر پرورش ماهی و ساختمان مستقل آشپزخانه دارد. ۶۷۵ دانش‌آموز این مدرسه در ۲۳ کلاس تقسیم



۲ زمین و فضاهای ورزشی

اگرچه ژاپن سرزمین سرسبزی است و آب فراوان دارد و نگهداری چمن برای آن کشور کار دشواری نیست، اما در چند مدرسه از جمله همین دبستان ناگویا، زمین ورزش از ماسه‌های ساحلی پوشیده و انباشته شده بود. علت را جویا نشدیم، اما روشن است، نگهداری زمین ماسه‌ای راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر است. دانش‌آموزان در صورت افتادن و برخورد با ماسه، آسیب کمتری می‌بینند. علاوه بر آن، مدرسه استخر شنای روباز دارد که در خیلی از مدرسه‌های ژاپن دیده می‌شود.

۳ دفتر معلمان

در چند مدرسه و از جمله این مدرسه، دفتر معلمان اتاق کار بزرگی است که در آن میزهای متعدد کوچکی در کنار هم چیده شده‌اند و هر میز با پارتیشن کوتاهی از میز کناری جدا شده است. روی همه میزها انباشته است از کتاب، کاغذ و وسایل کار معلم. در وهله اول، روی همه میزها نوعی بی‌نظمی مشاهده می‌شود، ولی این پدیده در همه‌ی

دفتر مدرسه مراجعه نمی‌کند. معلم دانش‌آموزی را برای گرفتن ابزار به دفتر مدرسه نمی‌فرستد و همه‌چیز در دسترس است. از دیوار راهروها حداکثر استفاده می‌شود و روزنامه‌های دیواری، دست‌نوشته‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزان در آن‌ها نصب می‌شود. در مقابل یا مجاور هر کلاس یک آبخوری و روشویی با حداقل سه یا چهار شیر آب وجود دارد و دانش‌آموزان هر کلاس در کمترین زمان و مسافت به آبخوری دسترسی دارند.

پنجره دارد. نور طبیعی هم در راهروها وجود دارد. در کنار راهروها، قفسه‌ها و ابزار و وسایل متعددی تعبیه شده‌اند که بسیار جلب‌نظر می‌کنند. کیف، جامدادی و هر آنچه دانش‌آموزان با خود می‌آوردند، داخل آن قفسه‌ها قرار می‌گیرند. لباس‌های اضافی در جارختی‌های متحرک کنار راهرو آویخته می‌شوند.

سبدهایی هم ابزار بازی و ورزشی مثل توپ و غیره را در خود جای داده‌اند. هیچ دانش‌آموزی برای گرفتن توپ به

ورود کفش به مدرسه ممنوع

در ورودی همه‌ی مدرسه‌ها جاکفشی‌هایی شبیه آنچه در ورودی مسجدهای خودمان داریم، قرار دارند. همه‌ی دانش‌آموزان، معلمان و مسئولان مدرسه کفش‌هایشان را عوض می‌کنند. دانش‌آموزان کفش‌های راحتی می‌پوشند و بقیه با نوعی دمپایی که در بعضی مدرسه‌ها شبیه هم هستند، وارد مدرسه می‌شوند بنابراین، بدون استثنا در همه‌ی مدرسه‌ها از جمله این مدرسه، از ما خواسته شد کفش‌هایمان را داخل جاکفشی بگذاریم و دمپایی مخصوص بپوشیم. این کار به احتمال زیاد برای کنترل و رعایت بیشتر و بهتر بهداشت و راحتی دانش‌آموزان مدرسه برنامه‌ریزی شده است.



بنابراین، از هر کلاس بیش از ۱۰ نفر به آشپزخانه می‌روند. نظم دانش‌آموزان همه‌ی پایه‌ها که باید در این زمان مشخص و محدود غذا را حمل کنند، شگفت‌انگیز بود. چرا که به هر ترتیبی که از هر کلاس به صف حمل غذا می‌رسیدند، با کمال حوصله در انتهای صف می‌ایستادند. شاید هم خروج از کلاس‌ها با چند دقیقه تفاوت برنامه‌ریزی می‌شود. آشپزخانه دو در دارد، یکی برای ورود و دیگری برای خروج. در ابتدای در ورودی، هر دو نفر از دانش‌آموزان یک چارچوبه‌ی ساده را برمی‌دارند که شبیه برانکارد است و شبکه‌های داخلی آن برای جای گرفتن سطل فلزی دردار غذا یا سبد شیر و سبد ظروف طراحی شده است. سطل‌های غذا که برای هر نوع غذا یکسان و هم‌اندازه‌اند، قبل از آمدن دانش‌آموزان به آشپزخانه همگی آماده شده‌اند و هر سطل فقط در شبکه‌ی داخلی یکی از

مراسم ناهار تقسیم‌بندی شده‌اند و به‌صورت دوره‌ای مسئولیتی را برعهده دارند. در روز بازدید ما از مدرسه، غذای دانش‌آموزان شامل برنج، نوعی خورش و سوپ بود. علاوه بر آن، همه‌روزه یک بطری شیر به همراه غذا به دانش‌آموزان داده می‌شود. همه‌ی دانش‌آموزان در کلاس خودشان ناهار می‌خورند. ویژگی بارز میز و صندلی کلاس‌ها این است که هر دانش‌آموز یک میز یک نفره‌ی مربع شکل و یک صندلی جداگانه دارد. به این ترتیب، به راحتی میزها و صندلی‌ها جابه‌جا می‌شوند و چینش کلاس تغییر می‌کند. همه‌ی دانش‌آموزان هنگام فراهم کردن مقدمات صرف ناهار روپوش سفید می‌پوشند، کلاه سفید بر سر و ماسک محافظ بر دهان می‌گذارند. تعداد دانش‌آموزانی که برای حمل غذا به آشپزخانه می‌روند، برای آوردن هر نوع غذا و سبد شیر، دو نفر و برای حمل ظرف‌های غذا دو یا چهار نفر است.

مدرسه‌هایی که مشاهده کردیم وجود داشت. در واقع نشانگر کار و فعالیت مداوم معلمان است. علاوه بر این، روی هر میز تلفن و لپ‌تاپ نیز دیده می‌شود. معمولاً یکی دو معلم نیز پشت میز کارشان، بی‌توجه به حضور ما، مشغول اند. دفتر معلمان تنها جایی برای استراحت و خوردن جای و قهوه نیست، بلکه به تمام معنی اتاق کار است.

۴ خوردن ناهار در مدرسه

براساس شنیده‌ها، همه‌ی مدرسه‌های ژاپن ساعتی برای ناهار خوردن دارند که گفته می‌شود ژاپنی‌ها به آن برنامه‌ی آموزشی پنهان می‌گویند. این برنامه دانش‌آموزان را با سبک زندگی و مهارت‌های گوناگون آشنا می‌کند. در دبستان ناگویا زنگ ناهار ۱ بعدازظهر است که با پخش آهنگ کوتاهی از بلندگوهای مدرسه شروع می‌شود. دانش‌آموزان هر پایه قبلاً برای اجرای

همه سرحال و سرزننده مشاهده می‌شوند. البته برای ما که بازدیدکننده بودیم، گاهی با حرکات کودکانه و شکلک ابراز وجود می‌کردند. در ادامه‌ی صرف ناهار، دانش‌آموزانی که سیر نشده‌اند و غذای بیشتری می‌خواهند، به کنار همان میزهای توزیع غذا می‌آیند. این بار معمولاً معلم غذای مازاد را توزیع می‌کند. برای اینکه کنترل اندازه‌ی غذا به دانش‌آموزان متقاضی در دستش باشد و توزیع درست انجام شود. پس از خوردن ناهار، دو نفر از دانش‌آموزان در انتهای کلاس می‌ایستند و لحظاتی کوتاه نیایش می‌کنند (نوعی شکرگزاری). سپس به سرعت ظرف‌ها جمع‌آوری می‌شوند و ظرف‌های خالی به همان ترتیب به آشپزخانه باز گردانده می‌شوند. این برنامه از ابتدا تا انتها فقط ۴۰ دقیقه طول می‌کشد و سراسر آن آموزش سبک زندگی است.

۵ زنگ پاکیزگی

گفته می‌شود ناهار خوردن در مدرسه و زنگ پاکیزگی دو برنامه‌ی آموزشی پنهان در مدرسه‌های ژاپن هستند. زنگ پاکیزگی همه‌روزه پس از صرف ناهار و با پخش آهنگ شروع می‌شود. همه‌ی دانش‌آموزان مدرسه (۶۷۵ نفر) گروه‌بندی شده‌اند. هر گروه مسئولیت‌هایی برعهده دارد و با ابزارهای مخصوص مشغول پاک کردن و تمیز کردن مدرسه می‌شود. ابزار تمیز کردن مدرسه شامل حوله برای تمیز کردن میز، صندلی، کف و دیوارها، تی، جاروی دستی، جاروی دسته‌دار بلند، خاک‌انداز و جاروهای بزرگ برای تمیز کردن محوطه است. دانش‌آموزان این وسایل را از اتاقک مخصوص برمی‌دارند. حوله نیز از روی بند رختی که در راهروهای مدرسه گذاشته شده است و پس از تمیز کردن مدرسه در روز قبل شسته و خشک شده است، برداشته



چارچوبه‌های غذا را در راهروی مقابل و کنار در انتهای کلاس به زمین می‌گذارند. سطل‌های حاوی غذا و سبدهای شیر و ظرف‌های غذا را هم روی میزهای کار انتهای کلاس قرار می‌دهند. تعدادی از دانش‌آموزان مسئولیت توزیع غذا را برعهده دارند و بقیه در حاشیه‌ی کلاس صف تشکیل می‌دهند و به ترتیب و با نظم، اما همچنان با نشاط و شور، یکی پس از دیگری انواع غذا و شیر را دریافت می‌کنند و در کنار دیگر دانش‌آموزان و در کنار میز غذاخوری که حالا به شکل طولی درآمده است، می‌نشینند. معلم نیز در کنار دانش‌آموزان و در کنار همان میزها می‌نشیند و از همان غذایی می‌خورد که دانش‌آموزان می‌خورند. نکته‌ی جالب توجه اینکه وقتی غذا توزیع می‌شود، کسانی که می‌پندارند غذا برای آن‌ها زیاد است، قبل از دست زدن به غذا، مقداری از غذایشان را به ظرف اصلی غذا بازمی‌گردانند. در هنگام غذاخوردن،

چارچوبه‌ها قرار می‌گیرد و دو دانش‌آموز آن را به کلاس می‌برند. همین‌طور سبدهای شیر و سبدهای دستپاچگی و با نظمی قابل تحسین انجام می‌شود.

در سراسر این فرایند که به رساندن غذا به کلاس درس می‌انجامد، شور و نشاط و روحیه‌ی تعاون و مشارکت در دانش‌آموزان موج می‌زند.

در این فاصله، دانش‌آموزانی که در کلاس منتظر آمدن غذا بوده‌اند، میزها را به‌صورت ردیف‌های طولی مرتب کرده‌اند و آماده‌ی دریافت و خوردن غذا هستند.

در مدرسه‌هایی که ما بازدید کردیم، کلاس‌ها دو در ورودی داشتند؛ یک در جلوی کلاس به سمت تخته‌سیاه و در دیگر در انتهای کلاس. در انتهای کلاس، چند میز کار هم قرار دارد و روبه‌روی دیوار تخته‌سیاه، در نقطه‌ی مقابل، یک وایت‌برد نصب شده است.

می‌شود. هنگام تمیز کردن کلاس، تمام میز و صندلی‌ها به یک سمت کلاس هل داده می‌شوند و نیمه‌ی خالی شده‌ی کلاس با جارو روفته و سپس کف و دیوارها با حوله‌ی دستی تمیز می‌شود. سپس میزها و صندلی‌ها به نیمه‌ی دیگر کلاس کشیده می‌شوند. در همان حال، تعدادی از دانش‌آموزان نیز مشغول تمیز کردن و حوله کشیدن روی میزها می‌شوند. هم‌زمان دانش‌آموزان دیگری، راهروها، راه‌پله‌ها و حتی سرویس‌های بهداشتی را تمیز می‌کنند و می‌شویند. در هیچ یک از این مراحل، نظارت مشهود و امر و نهی مسئولان مدرسه یا معلم مشاهده نمی‌شود. در این برنامه، دانش‌آموزان کاملاً خودکار و فعال مشغول کار هستند و با هم مشارکت دارند. حتی تعدادی از دانش‌آموزان

حیاط بزرگ مدرسه را که برگ درخت در آن ریخته است، با جارودستی بلند تمیز می‌کنند. کنار نرده‌ها و کنج‌ها را با جاروهای کوچک‌تر تمیز می‌کنند و خاک آن را با خاک‌انداز می‌گیرند. دیوارها و کف را حوله می‌کشند. در این مشارکت جمعی و آموزش سبک زندگی شور و حال وصف‌ناپذیری دارند، حتی گروهی قفسه‌های کتابخانه و میزها و زمین کتابخانه را هم تمیز می‌کنند. این برنامه در کل ۲۰ دقیقه طول می‌کشد. پخش آهنگ هم پایان برنامه و شروع کلاس‌های درس را اعلام می‌کند. در طول اجرای این برنامه، معلم کلاس درس را ترک نمی‌کند.

🔗 تشکیل کلاس و نحوه‌ی آموزش

پس از نواخته شدن آهنگ تشکیل کلاس، دانش‌آموزان بلافاصله سر کلاس

و در جای خود مستقر می‌شوند و رو به سوی تخته‌سیاه و معلم که کنار تخته‌سیاه ایستاده است می‌نشینند. دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم پس از زنگ پاکیزگی یک جلسه‌ی آموزشی و بقیه‌ی دانش‌آموزان دو جلسه‌ی آموزشی دارند و سپس به خانه می‌روند. معلمان چند ساعت پس از رفتن دانش‌آموزان هم در مدرسه حضور دارند و برنامه‌های آینده را تنظیم می‌کنند. ما از در انتهای کلاس وارد می‌شویم. حضور پنج نفره‌ی ما در کلاس برای دانش‌آموزان کاملاً عادی می‌نماید و حکایت از طبیعی بودن بازدید دارد. برخلاف ساعت قبل که موقع صرف غذا گاهی با رفتارهای کودکانه مواجه بودیم، اکنون دانش‌آموزان کاملاً منضبط و در برنامه‌ی آموزش و کلاس مشغول‌اند و کمتر به حضور ما توجه دارند. همه‌ی معلم‌ها در انتهای کلاس یک میز کار و روی دیوار مقابل تخته‌سیاه یک وایت‌برد دارند که روی آن برنامه‌ی آموزشی و طرح درس‌ها را می‌نویسند. وایت‌برد از نوشته‌های معلم پوشیده می‌شود. در جلوی کلاس، تخته‌سیاهی وجود دارد که تقریباً همه‌ی عرض کلاس را گرفته است. نوشتن معلمان روی تخته‌سیاه بسیار منظم و با برنامه است، به نحوی که نوشته‌ها، به ترتیب خاصی که قبلاً خود معلم برنامه‌ریزی کرده، نگاشته می‌شوند. تا پایان ساعت کلاس، همه‌ی نوشته‌هایی که اضافه می‌شوند، حفظ می‌شوند. به این ترتیب، دانش‌آموزان فرایند طی شدن و نوشتن مطالب را همواره دنبال می‌کنند و زنجیره‌ی مطالب را از دست نمی‌دهند. وقتی معلم مسئله‌ای را طرح می‌کند، ریاضی، اجتماعی یا ... چند دقیقه فرصت می‌دهد دانش‌آموزان به تنهایی فکر و مسئله را حل کنند. این زمان را با زمان‌سنجی که در اختیار دارد شروع می‌کند. در این هنگام، همه‌ی دانش‌آموزان به





۷ کتابخانه‌ی مدرسه

از کلاس درس بزرگ‌تر است؛ تقریباً دو برابر وسعت کلاس. کف سالن موکت است. احتمالاً برای اینکه فضای موسیقی بیشتر آکوستیک باشد. به همین دلیل، از ما خواسته شد دمپایی‌ها را هم از پا در آوریم. تعدادی چارپایه‌ی کوچک برای نشستن دانش‌آموزان وجود دارد که سبک هستند و به راحتی جابه‌جا می‌شوند.

در کنار سالن یک دستگاہ ارگ قرار دارد و معلم موسیقی در کنار ارگ دانش‌آموزان را رهبری می‌کند. ما در انتهای کلاس می‌ایستیم. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد به احترام ما برگردند.

واژه‌ی دیدار معمول و خوشامدگویی ایرانی‌ها را می‌پرسد (سلام) و سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد همه به ما سلام کنند. (سلامی با لهجه‌ی ژاپنی). سپس به افتخار ما و همچنان رو به ما، با همراهی ارگ سرود می‌خوانند. پس از ادای احترام، به سمت معلم برمی‌گردند و به کار خود ادامه می‌دهند.

کتابخانه در مدرسه‌های ژاپن نقش مهمی دارد و گفته می‌شود دانش‌آموزان به همراه معلم بخشی از زمان آموزش را در کتابخانه صرف می‌کنند. ما در زمان فعالیت کتابخانه در این مدرسه نبودیم، اما در مدرسه‌ای دیگر شاهد فعالیت خیلی خوب دانش‌آموزان در کتابخانه بودیم.

دانش‌آموزان از یک‌سو دنبال اطلاعات و منابع مربوط به محتوای درسی و جست‌وجوی آن‌ها هستند و از سوی دیگر کتاب‌های مورد علاقه‌ی خودشان را انتخاب می‌کنند. از هر مدرسه، در مورد تعداد کتاب‌هایی که هر دانش‌آموز در سال می‌خواند، سؤال کردیم. آمار متفاوتی اعلام کردند، اما کمترین تعداد کتاب که هر دانش‌آموز در سال می‌خواند، ۵۰ جلد عنوان شد. در مدرسه‌ای دیگر تا ۱۱۰۰ جلد نیز گفته شد.

۸ کلاس موسیقی

موسیقی در کلاس مخصوصی آموزش داده می‌شود. سالن آموزش موسیقی

تنهایی مشغول حل مسئله می‌شوند. پس از پایان این زمان، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد مسئله را در گروه بررسی کنند. دانش‌آموزان بلافاصله گروه‌های چهارنفری تشکیل می‌دهند.

دو نفر کنار هم میزهایشان را به هم نزدیک می‌کنند و دو نفر جلویی هم صندلی خود را به عقب برمی‌گردانند. به تشخیص معلم، بچه‌ها چند دقیقه فرصت کار جمعی دارند. پس از اتمام زمان کار گروهی، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد همه با هم مسئله را بررسی کنند.

خودش هم روی تخته‌سیاه با مشارکت دانش‌آموزان گام به گام مسئله را پیش می‌برد و یک بار دیگر با مشارکت و مشورت همه‌ی دانش‌آموزان مسئله را حل می‌کند.

چند نکته‌ی مهم

- ۱ یادگیری در این برنامه فردی، گروهی و جمعی است.
- ۲ هیچ‌کس منتخب، برگزیده و برنده‌ی رقابت نیست.
- ۳ مشارکت در همه‌ی موضوعات درسی و تربیتی وجود دارد.
- ۴ دانش‌آموزان و معلم از وجود و حضور افراد بازدیدکننده متعجب نمی‌شوند. معلم به‌خاطر حضور دیگران دست و پای خود را گم نمی‌کند و از برنامه‌ی خود خارج نمی‌شود. بی‌اعتنا به همه‌ی اتفاقات، کار خودش را دنبال می‌کند.
- ۵ در هر کلاس قفسه‌هایی وجود دارند که جعبه‌هایی پلاستیکی شبیه زونکن، به تعداد دانش‌آموزان، روی آن‌ها قرار دارد. سوابق آموزشی و تربیتی هر دانش‌آموز در جعبه‌ی خودش نگهداری می‌شود. معلم در فرصت لازم به سوابق دانش‌آموز مراجعه می‌کند.
- ۶ معلم بر همه‌ی فعالیت‌ها نظارت و در همه‌ی آن‌ها حضور فیزیکی دارد.

رویکردهای جدید آموزش فراموش نشود

در رویکردهای قدیمی تر آموزشی، دانش آموزان در کشف اصول و قواعد هیچ نقشی نداشتند. ولی رویکردهای جدید آموزشی دانش آموزان را با فعالیت، مشاهده و تجربه، به اکتشاف ترغیب می کند. اگر در روش های گذشته، معلم مساحت مستطیل را شفاهی بیان می کرد و فراگیرندگان بدون فهمیدن، آن را حفظ می کردند، در رویکردهای جدید، معلم یافتن قاعده مساحت مستطیل را به دانش آموزان واگذار می کند تا با راهنمایی به صورت عملی، به کشف قاعده برسند و چون این کشف حاصل کوشش فردی و جمعی است، فراموش نمی شود. در این روش، نگرش های کاوشگری، پژوهشگرانه و روح جمعی و تعامل گروهی تقویت می شود، درس با زندگی پیوند می خورد و یادگیری برای دانش آموز معنی دار می شود.



کردند. آثار باستانی محل زندگی خود را از نزدیک دیدند. تحقیق کردند. عکس گرفتند. نحوه نگهداری از آثار را به هم یاد دادند. در امامزاده حضور پیدا کردند و موضوعات فارسی و هدیه ها و ریاضی و مطالعات را به هم مرتبط کردند. در نتیجه، بینش آن ها نسبت به وجود ارتباط بین مقولات و پدیده ها وسعت یافت و به اصل وحدت در نظام هستی اندیشیدند.

۲ در رویکرد جدید آموزشی، معلم هدایتگر و دانش آموز فعال است.

معلم با برانگیختن انگیزه یادگیری دانش آموز، به او کمک می کند خودش پاسخ سؤالاتش را بیابد و به بیراهه نرود، چراکه از تعامل بین معلم فعال و هدایتگر و دانش آموز فعال بهترین نوع یادگیری ها تحقق پیدا خواهد کرد.

نمونه های مدرسه های ما

کاشتن دانه ها در کلاس با همکاری دانش آموزان. این موضوع به درس علوم مربوط است، ولی می توان برای بعضی اهداف در درس های هنر، هدیه ها، مطالعات اجتماعی و تفکر و پژوهش نیز

۱ رویکرد جدید آموزش با جامعه گرایی، آزادی عمل و تجربه کردن دانش آموزان همراه است.

در رویکرد جدید، آموزش از فرهنگ فردگرایی به جامعه گرایی حرفه ای کشانده می شود تا آزادی عمل، اعتماد، همکاری، تجربه کردن و مخاطره جویی حاکم شود. آموزش کلاسی فراتر از مدرسه، کاربردی و به زندگی متصل می شود. مفهوم پاسخ گویی و مسئولیت پذیری معلم گسترده می شود.

معلم از حد رهبری دارای توجه محدود به کلاس، به رهبری دانش آموزان در «مدرسه» مبدل می شود و یادگیری سطحی دانش آموزان به سوی مهارت های قابل تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی سوق پیدا می کند. دانش آموزان آموزش مباحث کلاسی را با کاربرد آن ها در زندگی و به کارگیری محیط در آموختن پیوند می دهند.

نمونه های مدرسه های ما

معلم دانش آموزان را به محیط اطراف مدرسه برد. آن ها محیط زندگی را مشاهده کردند و یادگیری برایشان معنی دار شد. به صورت گروهی، محیط اطراف مدرسه (پارک) را تمیز کردند. در مورد روز زمین پاک سؤال

امروزه معلمان در تدریس با واقعیت های اجتماعی جدیدی روبه رو هستند که ایجاد می کند در نقش و آموزش آن ها بازنگری شود. هدف از این نوشتار، توجه ویژه به رویکردهای جدید آموزش است؛ رویکردهایی که در آن ها نظریه های یادگیری در آموزش دخالت داده می شوند، دانش آموز فعال می شود و موضوع درسی با زندگی او پیوند می خورد. موضوعات درسی به صورت زنجیر به هم پیوسته می شوند و در آموزش از بازی و سرگرمی استفاده می شود. به تفاوت های فردی و مهارت های اساسی توجه می شود و همکاری اولیا و نظارت آن ها با مدرسه دوچندان می شود.





عجین شد و با روحیه‌ی بالا سر کلاس حاضر شدند. توجه به ایجاد فضای شاد و با روحیه در مدرسه باعث شد دانش‌آموزان در کلاس تمرکز بیشتری داشته باشند و مطالب را در آرامش و با توجه بیشتر یاد بگیرند. دانش‌آموزان بی‌دقت اول سال، پایان سال در املا و ریاضی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای پیدا کردند.

۵ در رویکردهای جدید آموزشی به نظریه‌ی ساختن‌گرایی در آموزش و نواندیشی در تدریس توجه می‌شود.

ساختن‌گرایی نوعی فلسفه‌ی یادگیری است که به موجب آن انسان با بهره‌گیری از تجربه‌های قبلی، شناخت خود را از جهان پیرامونش می‌سازد. چون هر فرد برای خود قواعد و الگوهای ذهنی خاصی دارد که برای معنی‌دار کردن تجربه‌هایش، آن‌ها را به کار می‌برد. از این رو، یادگیری فرایند تطبیق الگوهای ذهنی قبلی برای تقویت یا کسب تجربه‌های جدید است. به بیان دیگر، دانش و تجربه‌ی قبلی هر فرد پیش‌نیاز بنا کردن دانش جدید و معنی‌دار است. یادگیری ساختن‌گرایی فرایندی فعال و اجتماعی است و در آن معلم نقش تسهیل‌کننده، راهنما، هدایتگر و هم‌شاگردی را دارد. بجاست در رویکردهای جدید آموزش، به سمت کلاس درس ساختن‌گرا حرکت کنیم.

نمونه‌های مدرسه‌ی ما

بحث و گفت‌وگو درباره‌ی فصل زمستان و توجه به قدرت لایزال الهی در به وجود آمدن فصل‌ها، حضور در حیاط مدرسه در یک روز برفی، ساخت آدم برفی و هدایت سؤالات دانش‌آموزان از درس هدیه‌ها به سمت علوم و موضوع سرما و علت به وجود آمدن برف و باران توانست فضای شادی را به وجود آورد.

منابع

امان الله صفوی. روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۹۰.

کرد. امروزه وجود شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی ایجاد می‌کند از فناوری‌های جدید در آموزش استفاده شود.

نمونه‌های مدرسه‌ی ما

وسایل آموزشی را که معلمان، اولیا و دانش‌آموزان ساخته بودند در طول سال در کلاس استفاده شده بودند، در نمایشگاهی در مدرسه در معرض دید همکاران مدرسه‌های دیگر قرار دادیم که استقبال خوبی از آن شد.

۶ در رویکرد جدید آموزشی به

تقویت مهارت‌های اساسی، روش‌های جدید ارزشیابی، توسعه‌ی استانداردها و واقعیات اجتماعی توجه می‌شود.

کار جمعی باید در مدرسه‌ها، به ویژه دوره‌ی ابتدایی، زیاد شود. این تدریس در سایه‌ی محور قرار گرفتن فعالیت دانش‌آموز معنی‌دارتر و اثربخش‌تر می‌شود.

نمونه‌های مدرسه‌ی ما

دانش‌آموزان با هم و به صورت گروهی موضوعات روز جامعه را نقاشی کردند و برای یکدیگر توضیح دادند. در جشن حضور فعال داشتند. صبحگاه دانش‌آموزان با ورزش

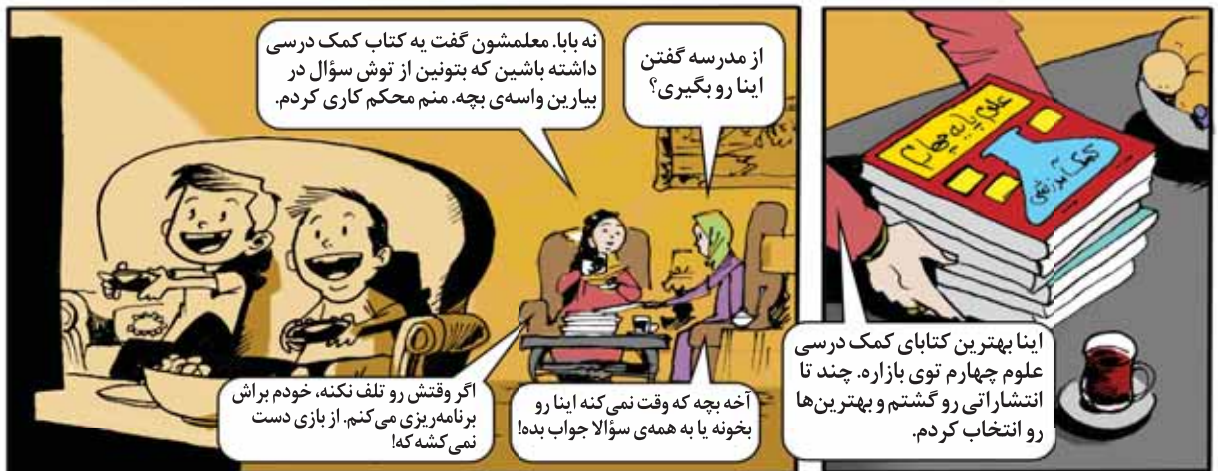
از آن استفاده کرد. لذت و هیجانی که در هنگام کاشتن دانه‌ها با همکاری هم در کلاس به وجود آمد، وصف ناشدنی بود. دانش‌آموزان مرحله به مرحله رشد دانه و جوانه زدن را دیدند. سؤالات جالبی هم پرسیدند. تأثیر گرما و سرما را بر رشد گیاهان از نزدیک مشاهده کردند. به قدرت خدا پی بردند. تفکر کردند و انشا نوشتند. نقاشی هم کشیدند.

۳ در رویکرد جدید آموزشی از

وسایل آموزشی به همراه بازی و

سرگرمی در تدریس استفاده می‌شود. آموزش از طریق بازی در پیش از دبستان و دبستان شهرت جهانی دارد. این شیوه را از کوشش‌های فروبل و مونتسوری داریم. اهمیت و جایگاه وسایل آموزشی به عنوان تسهیلگر آموزش و جذابیت و تنوع‌بخشی آن‌ها در آموزش همه‌ی صاحب‌نظران و مربیان روشن است. اگر معلم این وسایل را به کمک دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها درست کند و در کلاس استفاده کند، جذابیت تدریس و انگیزه‌ی فراگیرندگان دوچندان می‌شود. البته در رویکرد جدید آموزش دیگر نمی‌توان به وسایل و ابزارهای سنتی اکتفا





دو کلام حرف حساب!

کلاس علوم، به خصوص در دوره ی ابتدایی، باید شاد و پر جنب و جوش باشد و مشاهده، تجربه، مقایسه، آزمایش، گفت و گو، تفکر، اظهار نظر و همکاری گروهی در آن جریان داشته باشد. بر این اساس، نباید کلاس را به محلی برای ساکت نشستن و شنیدن یا آماده شدن برای کنکور تبدیل کرد. کتاب علوم منبعی است برای معرفی فعالیت های یادگیری. حیف است که بعضی خانواده ها یا معلمان آن را به محلی برای پرسش و پاسخ های حافظه مدار تبدیل می کنند!



ارزشیابی درس مطالعات اجتماعی

آموزش مطالعات اجتماعی در ماه دی

در کارگاهی که تابستان گذشته با حضور آموزگاران پایه‌های سوم تا ششم درس مطالعات اجتماعی، با هدف تسهیل جریان یاددهی - یادگیری موضوعات این درس و بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان برگزار شد، بر این مسئله تأکید شد که دانش‌آموزان با انتخاب هر رشته‌ی تحصیلی و اشتغال به هر شغل، نیازمند احساس رضایت و خشنودی از خویشتن و شناخت و درک و تمرین رفتارهای اجتماعی مناسب، به منظور حضور مفید و مؤثر در جامعه هستند. بهترین زمان برای شکل‌گیری مبانی ذهنی لازم و گرایش به عادات رفتاری مناسب در این زمینه، دوره‌ی پیش‌دبستان و دبستان است. بنابراین، ضروری است آموزش درس مطالعات اجتماعی با توجه و دقت بیشتری صورت گیرد.

یادآوری: مجموعه مطالب این بخش گزاشی از تجربه‌های یک واحد آموزشی است که ممکن است نقدهایی بر آن وارد باشد. نکته‌ی مهم این است که شما با شرایط مدرسه‌ی خودتان و البته با وفاداری به برنامه‌ی درسی ملی، شرایط یادگیری مناسب برای دانش‌آموزانتان فراهم کنید.



جلسه‌ی سوم معلمان درس فعالیت‌های اجتماعی ابتدایی
هفته‌ی آخر آذر

دستور جلسه

۱. ارائه‌ی بازخورد فعالیت‌های آموزشی ماه آذر
۲. بحث و تبادل نظر در مورد کارنامه‌ی توصیفی، با استفاده از کتاب راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی
۳. تهیه‌ی برنامه‌ی درسی ماه دی

۱. ارائه‌ی بازخورد فعالیت‌های آموزشی ماه آذر

برنامه‌ی درسی کلیه‌ی پایه‌ها طبق زمان‌بندی اجرا شد. طرح تفکیک زباله در حیاط مدرسه توسط پایه‌ی سوم، با استقبال اکثر دانش‌آموزان پایه‌های دیگر و همکاری آن‌ها انجام شد و از مواردی هم که به درگیری انجامید استفاده شد تا رعایت مقررات از یک طرف و نحوه‌ی اعمال مقررات از طرف دیگر تمرین شود. نحوه‌ی ارائه‌ی یک شغل در کلاس و پاسخ‌گویی به سؤالات هم‌کلاسی‌ها در پایه‌ی سوم، با آمادگی قبلی دانش‌آموزان، رضایت‌بخش بود. طرح شوراهای کلاسی در همه‌ی پایه‌ها در حال اجراست و برای انجام فعالیت‌های گروهی، در هر کلاس از اعضای آن کمک گرفته می‌شود. در جلسه‌ی بررسی عملکرد شورا، نقاط ضعف و قوت به‌طور کتبی و بدون ذکر نام دریافت و سپس به بحث گذاشته شد و بر مبنای آن، مقررات کلاس و شرح وظایف و مسئولیت‌های اعضای شورا و تکالیف دانش‌آموزان در مقابل آن‌ها، با پیشنهادها و دانش‌آموزان، تدوین شد و همه پذیرفتند که به آن‌ها احترام بگذارند. کار شورای کلاس با آرامش بیشتری ادامه

دارد و میزان اختلاف‌نظرهای منجر به درگیری کمتر شده است. طرح سررسید در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم در حال اجراست و به درک مفهوم زمان، تغییر و تحول کمک کرده و استناد به مدارک و شواهد را تمرین می‌دهد.

در پایه‌ی چهارم، کتابدار مدرسه چند کتاب تاریخی را معرفی و درباره‌ی آن‌ها توضیح داد. در ارزشیابی کتبی، علاوه بر بررسی اطلاعات دانش‌آموزان، به توانایی آن‌ها در نگارش توجه شد. در پایه‌ی پنجم، در بحث راه‌ها، اطلس راه‌های ایران در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شد و

۲. بحث و تبادل نظر در مورد کارنامه‌ی توصیفی، با استفاده از کتاب راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی

تعریف ارزشیابی توصیفی، با استفاده از کتاب راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی، به بحث گذاشته شد. ارزشیابی توصیفی شیوه‌ای از ارزشیابی تحصیلی تربیتی است که اطلاعات لازم، معتبر و مستند برای شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ی فراگیرندگان در ابعاد یادگیری را، با استفاده از ابزارها و روش‌های مناسب مانند کارپوشه، آزمون (با تأکید بر آزمون‌های عملکردی) و مشاهده در طول فرایند یاددهی - یادگیری به دست می‌دهد تا بر اساس آن، بازخوردهای توصیفی موردنیاز برای کمک به یادگیری و یاددهی بهتر در فضای روانی و عاطفی مطلوب برای دانش‌آموز، معلم و اولیا حاصل آید.

اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

جدایی‌ناپذیری ارزشیابی از فرایند یاددهی - یادگیری، استفاده از نتایج جدایی‌ناپذیری ارزشیابی در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری و اصلاح برنامه‌ها و روش‌ها، هماهنگی میان هدف‌ها، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و فرایند ارزشیابی، توجه به آمادگی دانش‌آموزان، توجه به رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان، توجه همه‌جانبه به دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌ها، توجه به ارزشیابی دانش‌آموز از یادگیری خود (خود ارزشیابی)، ارزشیابی از فعالیت‌های گروهی، توجه به فرایندهای فکری منتج به تولید پاسخ، تأکید بر نوآوری و خلاقیت، تنوع روش‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری و سنجش پیشرفت تحصیلی استفاده از انواع ارزشیابی، استقلال مدرسه و معلم در فرایند ارزشیابی، اصل رعایت قواعد اخلاقی و انسانی در ارزشیابی، و توجه به تفاوت‌های فردی به تفصیل مورد بحث قرار گرفتند.

جدول اهداف، نشانه‌های تحقق و سطوح عملکرد هر پایه از کتاب راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی ویژه‌ی معلمان دوره‌ی ابتدایی استخراج شد تا با استفاده از بررسی پوشه‌ی کار (فعالیت‌های کلاسی کاربردگ در کلاس و خانه و ...)، ارزیابی‌های شفاهی (مشارکت در گفت‌وگو، قبل و بعد از تدریس)، مشاهده‌ی رفتارهای اجتماعی (مشاهده‌ی نحوه‌ی حضور در فعالیت‌های گروهی، مشاهده‌ی نحوه‌ی رفتار در فعالیت‌های شورای کلاسی) مشاهده‌ی میزان توجه دانش‌آموز به محیط و دریافت تغییرات، جمع‌آوری مدارک و شواهد برای ارائه در کلاس و ارزیابی‌های کتبی، نتایج در کارنامه‌ی توصیفی دانش‌آموزان ثبت شوند.



مربوط به درس‌ها (با توجه به تمرین رعایت مقررات در مکان‌های عمومی) و فیلم‌های مفید (با توجه به استفاده از آموزش‌های خارج از مدرسه برای خودآموزی) تهیه شود و در زمان نمایش، فرصت سؤال کردن و بحث داده شود تا این کار، ضمن دوره‌ی کتاب، به تفهیم و تعمیق بیشتر درس‌ها کمک کند. پیشنهاد شد موارد مورد بررسی در ارزشیابی در اختیار والدین قرار گیرند تا ضمن اطلاع از اهداف آموزش، قادر به انجام کمک‌های جانبی در محیط خارج از مدرسه باشند.

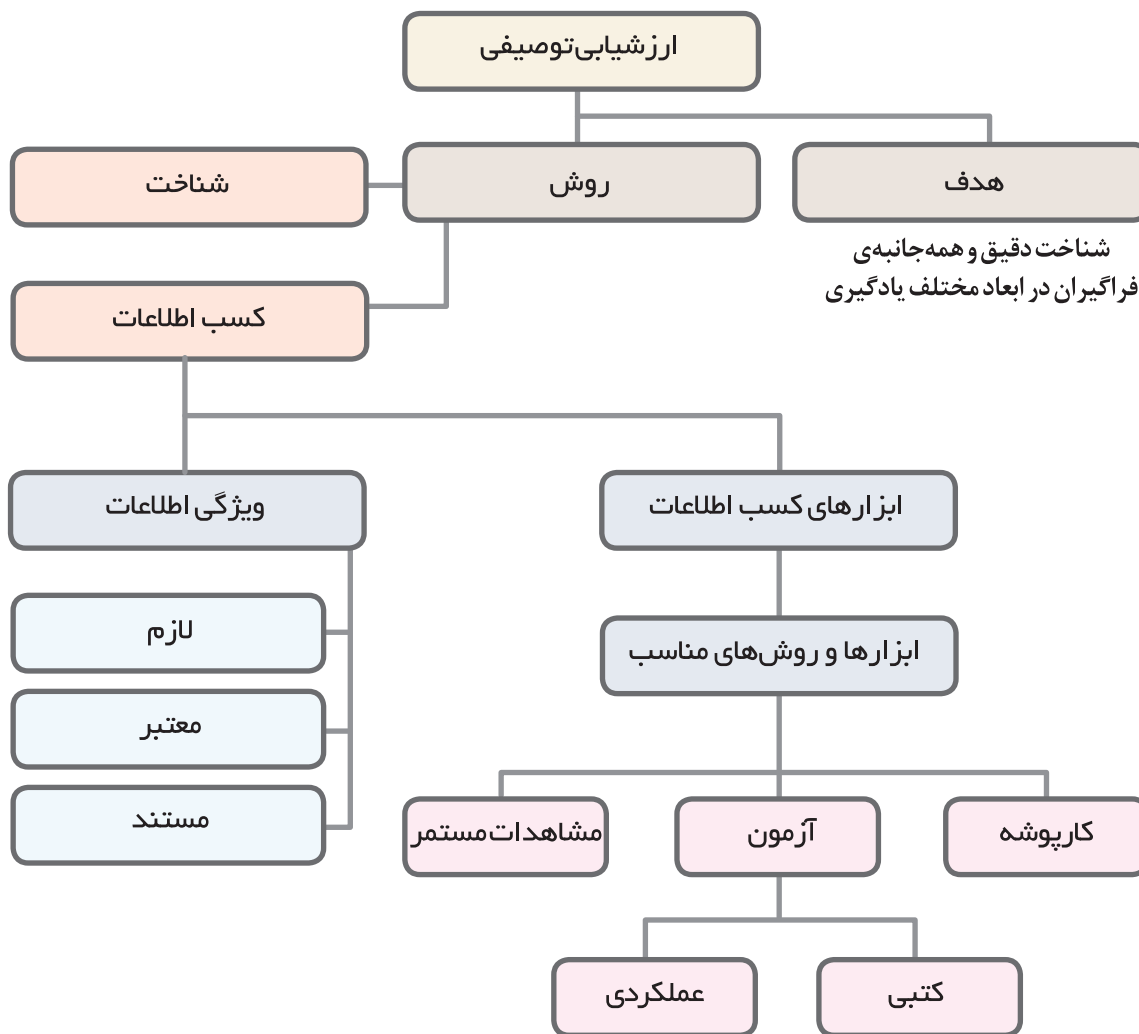
کتابدار مراجعه می‌کنند. آن‌ها درباره‌ی دانشمندان اسلامی (زکریای رازی، ابوعلی سینا، جابر بن حیان، خوارزمی، ابوریحان بیرونی و خیام) اطلاعاتی را جمع‌آوری و به صورت روزنامه‌دیواری درآوردند که در راهروی مدرسه نصب شد. به دانش‌آموزان توصیه شد، شبکه‌ی مستند تلویزیون را دنبال کنند و برنامه‌های مربوط به درس‌های مطالعات اجتماعی را تماشا کنند و مطالبی را که به نظرشان جالب بوده است در کلاس بیان کنند. پیشنهاد شد برای ماه‌های فروردین و اردیبهشت برنامه‌های شامل بازدیدهای

درباره‌ی راه‌های دریایی و هوایی و نحوه‌ی مسیریابی کشتی‌ها و هواپیماها بیشتر توضیح داده شد. کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی برای مشاهده در اختیار دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم قرار داده شد. در پایه‌ی ششم، ثبت اخبار دریافت شده از دانش‌آموزان در سررسید، توسط داوطلبان دنبال می‌شود. معرفی سایت‌های آموزشی مورد استقبال قرار گرفت و دانش‌آموزانی که مطالب جالبی پیدا می‌کنند، آن‌ها را در کلاس توضیح می‌دهند. در زنگ‌های تفریح، دانش‌آموزان علاقه‌مند، برای دریافت کتاب‌های مربوط به درس‌ها، به

جدول موارد مهم در ارزشیابی توصیفی

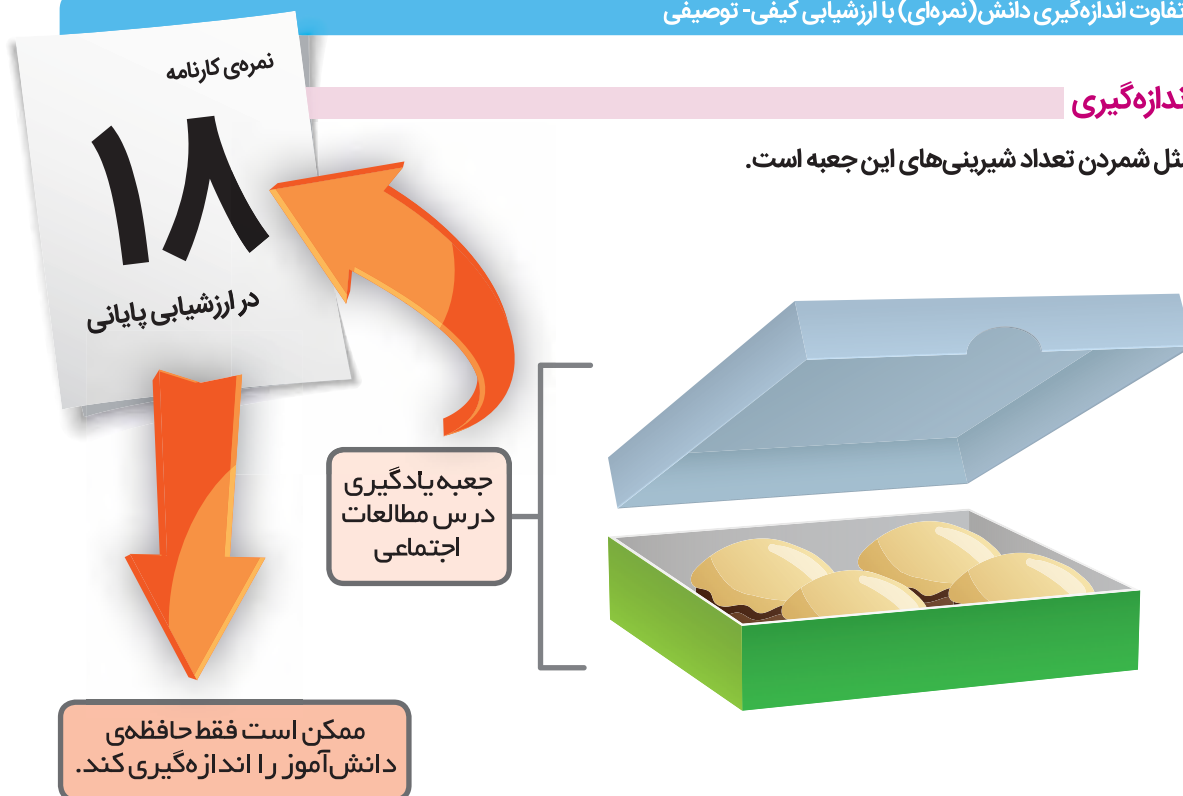
موارد	تأکیدات اساسی مطرح در ارزشیابی توصیفی	نکاتی که لازم است معلمان به آن‌ها توجه کنند
زمان ارزشیابی	استمرار جریان ارزشیابی در طول سال و لزوم برنامه‌ریزی معلم برای رفع کاستی‌های احتمالی در فرایند یادگیری دانش‌آموزان	ارزشیابی در زمان‌های مشخص انجام نمی‌شود، بلکه معلمان در فرایند یاددهی - یادگیری، با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های متنوع، از کم و کیف پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارزشیابی به عمل می‌آورند.
جمع‌آوری اطلاعات	تعدد و تنوع روش‌ها و ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی کمیت و کیفیت آموخته‌های دانش‌آموزان	معلمان برای بررسی کم و کیف تحقق اهداف یادگیری در درس‌های مختلف، صرفاً به برگزاری آزمون‌های کتبی و شفاهی در زمان مشخص بسنده نمی‌کنند، انواع روش‌ها و ابزارها، از جمله آزمون‌های عملکردی و کارپوشه را به خدمت می‌گیرند.
ثبت نتایج ارزشیابی و ارائه‌ی بازخورد	تغییر و تنوع در روش‌ها و ابزارهای ثبت نتایج ارزشیابی، نحوه‌ی قضاوت و اعلام نتایج پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان	معلمان برای ثبت نتایج ارزشیابی از ابزارهای متنوعی استفاده می‌کنند. علاوه بر معلم، دانش‌آموز و اولیای وی نیز جزو منابع ارائه‌ی اطلاعات و قضاوت در این موارد خواهند بود. در فرایند آموزش، دانش‌آموز همواره بازخوردهای مناسب و به‌موقع دریافت می‌کند.

جدول موارد مهم در ارزشیابی توصیفی



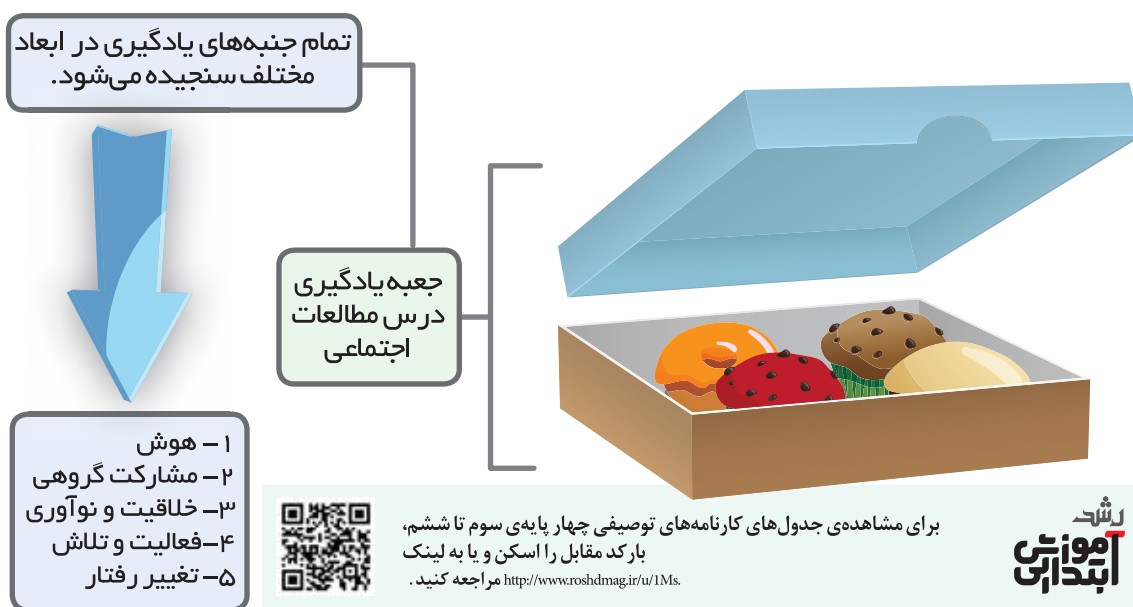
اندازه‌گیری

مثل شمردن تعداد شیرینی‌های این جعبه است.



ارزشیابی کیفی - توصیفی

مثل بررسی کیفیت، مزه، رنگ، تعداد، اندازه، تازگی و ... شیرینی‌های این جعبه است.



مورد	مفاهیم کلیدی	راهبرد یا حوزه‌ی موضوعی
مراقبت و رعایت ایمنی خانه، آتش‌نشانی کارکردهای خانه	مسئولیت‌ها و تکالیف نقش‌ها، گروه و مؤسسه‌های اجتماعی	نظام اجتماعی
تغییر شکل خانه و کارکرد فضاهای خانه در زمان	تغییر و تحول	زمان، تداوم تغییر
خانه‌های روستایی و عشایری، خانه‌ها در شهرهای بزرگ	تعلق و هویت، تنوع شیوه‌های زندگی	فرهنگ و هویت
اهمیت قائل شدن برای خانه به‌عنوان جایگاه خانواده، تمایل به رعایت نکات ایمنی و حفاظت از محل زندگی	مسئولیت‌پذیری	ارزش‌ها و اخلاق
موقعیت مکانی، فضاهای خانه، انواع خانه‌ها در نواحی گوناگون ایران، حفاظت از خانه	پدیده‌های مکانی، پراکندگی رابطه‌ی انسان و محیط، حفاظت از محیط و مکان	فضا و مکان
-	-	منابع و فعالیت‌های اقتصادی

به‌دقت در ساختمان خانه و مکان‌های داخلی آن هنگام گذر از خیابان‌ها و کوچه و دیدوبازدیدها و هنگام تماشای فیلم‌های سینمایی. دقت به زمان ساخت آن‌ها و آب‌وهوای منطقه و مصالح و امکانات آن؛
۳. نمایش ساختن خانه توسط چند گروه و بازی در نقش سازندگان (مهندس، بنا و رنگ‌کار) با توضیح کارشان؛
۴. خواندن متن و تصویرخوانی کتاب؛
۵ و ۶. انجام فعالیت‌های کتاب؛
۸. ارزشیابی شفاهی.

(چندطبقه) دیده‌اید؟ تا به حال خانه‌ی روستایی و طوبله و انبار علوفه‌ی آن را دیده‌اید؟ تا به حال چادر عشایری (قابل حمل و نقل) دیده‌اید؟ این خانه‌ها چه تفاوتی با خانه‌ی شما دارند؟ چرا سقف بعضی خانه‌ها شیب‌دار است؟ چرا سقف بعضی خانه‌ها گنبدی شکل است؟ چرا در شهرها بیشتر خانه‌ها چندطبقه‌اند؟
۲. نقاشی انواع خانه روی خط زمان توسط دانش‌آموزان و بیان تاریخچه‌ی خانه از غار تا آسمان‌خراش با کمک معلم. توصیه

با احتساب هشت جلسه‌ی درسی نوشته شد.
۱. گفت‌وگو: آیا تا به حال محل خانه‌ی خود را تغییر داده‌اید؟ خانه‌ی قبلی شما با خانه‌ی فعلی چه شباهت‌هایی داشت؟ خانه‌ی قبلی شما با خانه‌ی فعلی چه تفاوت‌هایی داشت؟ مجسم کنید اگر خانواده‌ی شما خانه نداشتند، چه شرایطی به وجود می‌آمد؟ تا به حال خانه‌ی حیاطدار دیده‌اید (دارای حوض یا باغچه)؟ تا به حال خانه‌ی آپارتمانی

مورد	مفاهیم کلیدی	راهبرد یا حوزه‌ی موضوعی
-	-	نظام اجتماعی
پیدایش سلسله‌ها و حکومت‌های مختلف در ایران باستان اشیا و آثار تاریخی و باستان‌شناسی شکل‌گیری شهرهای باستانی مثل همدان، تخت جمشید و کرمانشاه	تغییر و تحول و پیشرفت مدارک و شواهد	زمان، تداوم تغییر
تعلق به سرزمین ایران و تاریخ کهن آن آثار تاریخی به‌جامانده در بناهای تاریخی و اهمیت بازدید از آن‌ها	تعلق و هویت میراث فرهنگی	فرهنگ و هویت
حساس بودن به حفاظت از آثار تاریخی و میراث فرهنگی علاقه‌مندی به میراث فرهنگی و افتخار به گذشته‌ی طولانی کشور	مسئولیت‌پذیری وطن‌دوستی	ارزش‌ها و نگرش‌ها
صنایع دستی و غذاهای محلی با توجه به تنوع مکان‌ها حفاظت از مناطق تاریخی کشور	رابطه‌ی انسان و محیط حفاظت از محیط	فضا و مکان
-	-	منابع و فعالیت‌های اقتصادی

شهرنشینی و تمدن (وجود راه - گذر از معاملات پایاپای و ضرب سکه، تقسیمات کشوری، وجود نیروی نظامی، پست برای انتقال دستورات و فرمان‌ها و دریافت گزارش‌ها) و تکمیل پاسخ‌ها توسط معلم؛
۴. بیان تاریخ ورود آریایی‌ها به فلات ایران تا پایان دوره‌ی ساسانی، با استفاده از کتاب

۲. گفت‌وگو با طرح سؤالاتی درباره‌ی تاریخ، تاریخدان، باستان‌شناس، موزه، دوره‌ی پیش از تاریخ (بدون خط و آثار مکتوب) و دوره‌ی تاریخی (با مدارک مکتوب) کتیبه و سازمان میراث فرهنگی و تکمیل پاسخ‌ها توسط معلم؛
۳. گفت‌وگو با طرح سؤالاتی درباره‌ی

با احتساب دوازده جلسه‌ی درسی نوشته شد.
۱. گفت‌وگو درباره‌ی مکان‌هایی که دانش‌آموزان در سفرهایشان دیده‌اند (به‌ویژه مکان‌های تاریخی) و سؤال کردن معلم از جزئیاتی که در این مکان‌ها وجود داشته‌است؛

داستان فکر ایرانی (در جلسه‌ی تابستان معرفی شد)؛
۵. خواندن متن کتاب و تصویرخوانی؛
۶ تا ۱۰. انجام فعالیت‌های کتاب؛

۱۱. معرفی شخصیت‌های مطرح‌شده در کتاب توسط دانش‌آموزان (شخصیت‌هایی مثل: دیاکو، کوروش، داریوش، سورنا، آریوبرزن، اسکندر، اردشیر و انوشیروان)

به شکل نمایشی، با استفاده از اطلاعات بیشتر از کتاب، توسط دانش‌آموزان؛
۱۲. ارزشیابی کتبی.

پایه ی پنجم / برنامه‌ی دی‌ماه، (فصل ۳ زندگی در نواحی دیگر جهان)

از آنجا که کتاب راهنمای معلم در دسترس نبود، جدول برنامه‌نویس‌تیم و برنامه را برای دوازده جلسه بستیم.
۱. گفت‌وگو: با همسایگان خود چه رابطه‌ای دارید؟ آیا با هم رفت‌وآمد دارید؟ می‌دانید چگونه زندگی می‌کنند؟ مرز یعنی چه؟ مرز خانه‌ی شما با همسایه‌هایتان کجاست؟
کشورهای همسایه‌ی کشور ایران را می‌شناسید؟
آیا تا به حال به آن کشورها سفر کرده یا مطلبی درباره‌ی آن‌ها شنیده‌اید؟

خواندن متن کتاب و تصویرخوانی
۲. انجام فعالیت‌های مربوط به درس همسایگان ایران؛
۳. توضیح مفاهیم درس حرکت‌های زمین به‌وسیله‌ی کره‌ی جغرافیایی؛
۴. خواندن متن درس و تصویرخوانی کتاب (حرکت‌های زمین)؛
۵ و ۶: انجام فعالیت‌های مربوط به درس حرکت‌های زمین؛
۷. ساختن ساعت آفتابی؛
۸. درست کردن پازل کشورهای آسیایی،

همراه با توضیحات معلم درباره‌ی قاره‌ها و اقیانوس‌ها و اکتشافات دریایی (آمریکا و اقیانوسیه)؛
۹. خواندن متن درس و تصویرخوانی (قاره‌ها و اقیانوس‌ها)؛
۱۰. نوشتن انشای گروهی (هر گروه یک بند) درباره‌ی من زمینم را دوست دارم، برای روزنامه‌ی دیواری؛
۱۱. تشکیل گروه‌های محیط زیستی برای درست کردن روزنامه‌ی دیواری؛
۱۲. ارزشیابی کتبی.

پایه ی ششم / برنامه‌ی دی‌ماه، (فصل ۷ اوقات فراغت؛ فصل ۸ پوشاک ما)

مفاهیم کلیدی		راهبرد یا حوزه‌های موضوعی
(فصل ۸) پوشاک ما	(فصل ۷) اوقات فراغت	
مسئولیت‌ها و تکالیف	مسئولیت‌ها و تکالیف، حقوق و قوانین نقش‌ها، گروه و مؤسسه‌های اجتماعی	نظام اجتماعی
تحول، پیشرفت و تداوم میراث فرهنگی	تحول، پیشرفت و تداوم میراث فرهنگی	زمان، تداوم و تغییر فرهنگ و هویت
پدیده‌های مکانی و پراکندگی رابطه‌ی انسان با محیط	حفاظت از محیط	فضا و مکان
تولید، توزیع و مصرف، کار و کارآفرینی	-	منابع و فعالیت‌های اقتصادی
تمایل به خرید عاقلانه‌ی لباس (خرید به‌اندازه‌ی توان مالی، پرهیز از خرید غیرضروری، پس‌انداز)، تمایل به کار و کارآفرینی، تمایل به رعایت موازین دینی در پوشیدن لباس	تمایل به داشتن برنامه‌های متعادل برای فعالیت‌های روزانه و استفاده‌ی بهینه از اوقات فراغت، تمایل به رعایت قوانین و مقررات در مکان‌های عمومی	ارزش‌ها و نگرش‌ها

با احتساب دوازده جلسه‌ی درسی نوشته شد.
۱. تا به حال چند بار گفته‌اید حوصله‌ام سر رفته؟ چه مواقعی حوصله‌تان سر می‌رود؟ آیا دیگران باید مسئله‌ی حوصله سررفتن شما را حل کنند؟ تابستان گذشته چه برنامه‌هایی داشتید؟ اوقات فراغت یعنی چه؟ اعضای خانواده‌ی شما اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانند؟
۲. سؤال از تک‌تک دانش‌آموزان درباره‌ی نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغتشان و ثبت

روی تخته و گرفتن فراوانی فعالیت‌ها؛
۳. خواندن متن درس اوقات فراغت و تصویرخوانی کتاب؛
۴ و ۵. انجام فعالیت‌های کتاب؛
۶. گفت‌وگو: آیا لباس‌تان را خودتان انتخاب می‌کنید؟ لباس شما با در نظر گرفتن چه مواردی انتخاب می‌شود؟
۷. خواندن متن درس انواع لباس و تصویرخوانی کتاب؛
۸. گفت‌وگو. فکر می‌کنید لباس شما چگونه تهیه می‌شود؟ آیا ماده‌ی اولیه‌ی

(پنبه، پشم و الیاف صنعتی) همه‌ی لباس‌ها یکی است؟ انتخاب این ماده‌ی اولیه بر چه اساسی است؟
آیا در همه‌ی شرایط آب‌وهوایی یک‌چور لباس می‌پوشیم؟ آیا همیشه لباس‌ها به شکل لباس‌هایی که الان می‌پوشیم بوده‌اند؟
۹. خواندن متن درس لباس، از تولید به مصرف و تصویرخوانی کتاب؛
۱۰ و ۱۱. انجام فعالیت‌های کتاب؛
۱۲. ارزشیابی کتبی.



سلام بر روش‌های صحیح آموزش هنر

معلم ابتدایی الگوی بسیار مهمی در زندگی کودکان است و تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری شخصیت آن‌ها دارد. پس نه تنها آنچه تدریس می‌کند، بلکه رفتارهایش، به صورت غیرمستقیم الگوی آموزش کودکان هستند. بنابراین، روشی که برای برگزاری کلاس و ارائه‌ی ایده‌های کودکان در کلاس و تشویق کودکان انتخاب می‌کند، اهمیت بسیاری دارد.

کلاس هنر محل ابراز خیال‌پردازی و تخیلات کودکان است. معلم هنر باید قدرت تخیل، خلاقیت و زیبایی خاص آثار کودکان را در روش کار خود مدنظر قرار دهد. این مفاهیم باید در محدوده‌ی سنی کودکان دوره‌ی ابتدایی معنی شوند، زیرا در این سن کودکان در آغاز تجربه‌ی جهان و شناخت پدیده‌های آن هستند. حساس شدن نسبت به ویژگی‌های پدیده‌ها و درک عمیق آن‌ها احساسات و رشد درونی کودکان را توسعه می‌دهد. مهم‌ترین تأثیر معلم هنر این است که به کودکان می‌آموزد به احساسات خود توجه و آن‌ها را به شیوه‌ی مناسب بیان کنند. بنابراین، اگرچه انجام فعالیت‌های هنری در پرورش و تقویت حواس کودکان نقش مؤثری دارد، ولی مهم‌ترین تأثیر این فعالیت‌ها پرورش ذهنیت و خلاقیت دوران کودکی است. روش‌های صحیح آموزش هنر دوره‌ی ابتدایی براساس شناخت علمی، به خصوص روان‌شناسی رشد و مراحل تحول کودک، برنامه‌ریزی شده است. در این برنامه‌ها، امکان شناخت هرچه بیشتر ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل دانش‌آموزان، علاقه‌ها و نیازهای آن‌ها در سنین گوناگون فراهم می‌شود تا راهنمای برنامه‌ریزان سطوح تحصیلی باشد. معلم هنر باید بداند که کودک مراحل رشد ذهنی خود را به مرور طی می‌کند و به دید واقع‌گرای بزرگسال می‌رسد. به همین دلیل، نباید او را مجبور کند در فعالیت‌های هنری از کسی یا چیزی تقلید یا از روش خاصی پیروی کند.

معلم هنر دوره‌ی ابتدایی به کودکان اجازه می‌دهد درباره‌ی هر فعالیت تفکر کنند، ایده‌ی شخصی خود را ارائه دهند، تخیلاتشان را به مرحله‌ی ظهور برسانند و تجربه‌های جدیدی کسب کنند. در چند دهه‌ی اخیر، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه‌های درسی هنر و روش آموزش باید به نحوی طراحی شود

که کودکان علاوه بر آزادی عمل خلاق، رشد کنند و پرورش یابند. بنابراین، فعالیت هنری فقط جنبه‌ی بازی و سرگرمی یا تخلیه‌ی انرژی ندارد و باید هدف‌های دیگری را دنبال کند.

دکتر **مهرمحمدی** در کتاب «جیستی، چرایی و چگونگی آموزش هنر»، درباره‌ی رویکردهای معاصر آموزش هنر می‌نویسد:

«معلم هنر می‌تواند در کسب تجربه‌های ارزشمند شاگردان نقش مهمی ایفا کند. از جمله در رویکرد دیسیپلین‌محور، یادگیری مستلزم تدارک آموزش‌های حمایت‌کننده و مشوق نیز هست. برنامه‌ی درسی یا فعالیت‌های مسئله‌محور رضایت درونی یادگیرندگان را فراهم می‌کند؛

کسب مهارت‌های هنری در خلق و ادراک هنر کاری حساس و دشوار و مستلزم دقت، تمرین و تکرار، کاوش و تداوم کوشش و تمرین است؛ اما یادگیری چگونه ادراک کردن، خلق کردن، فهمیدن و قضاوت کردن، در مقایسه با کسب مهارت‌های عملی، به کوشش و تلاش بیشتری نیاز دارد؛

یادگیری هنر باید با جریان رشد دانش‌آموزان هم‌خوانی داشته باشد. رویکرد دیسیپلین‌محور بر این فرض متکی است که معلمان به اندازه‌ی کافی با ویژگی‌ها و توانایی تحول دانش‌آموزان آشنایی و نسبت به آن حساسیت دارند. تنها در این صورت آموزش آن‌ها اثربخش خواهد بود؛

تکالیف یا برنامه‌ای که برای شاگردان طراحی می‌شود، باید برای آن‌ها معنادار باشد. به عبارت دیگر، آن‌ها باید برای انجام

معلم هنر دوره‌ی ابتدایی به کودکان اجازه می‌دهد درباره‌ی هر فعالیت تفکر کنند، ایده‌ی شخصی خود را ارائه دهند، تخیلاتشان را به مرحله‌ی ظهور برسانند و تجربه‌های جدیدی کسب کنند

بزرگسالان در انجام آثار هنری وامی‌دارد. به این ترتیب، کودکان وابسته به نظرات دیگران و متکی به نمونه‌های آماده و الگوهای هنری تربیت می‌شوند. زیرا به صورت مستقل درباره‌ی فعالیت‌ها نمی‌اندیشند و درباره‌ی موضوعات تفکر نمی‌کنند؛ راه‌حلی را جست‌وجو نمی‌کنند، ایده‌ی شخصی ارائه نمی‌دهند و به تقلید عادت می‌کنند.

در واقع، در دوره‌ی ابتدایی غالباً شاگردان مهارت‌های جسمی و روحی لازم و توانایی تقلید از آثار هنری هنرمندان در زمینه‌ی خوش‌نویسی، نقاشی، ساختن حجم، اجرای نمایش یا موسیقی را ندارند و در بسیاری از موارد مفهوم و معنای فعالیت را درک و با اثر هنری ارتباط احساسی برقرار نمی‌کنند. در حالی که کودکان دوره‌ی ابتدایی، هر یک ذهنیتی منحصره‌فرد و تخیلات، احساسات و درک خاصی از پدیده‌های گوناگون دارند که اگر از طریق فعالیت‌های هنری ابراز نشود، در اثر رشد و تحول به دید واقع‌گرای بزرگسالان آن‌ها را به فراموشی خواهند سپرد. به این ترتیب، شناخت عمیقی از خود و احساسات و ادراک و توانایی‌های خود در زمینه‌های مختلف نخواهند یافت و ارتباط میان هنر، فرهنگ و زندگی را درک نخواهند کرد. پس سلام بر روش‌های صحیح آموزش هنر که متناسب با سن و شرایط کودکان برنامه‌ریزی و طراحی شده تا به کسب بهترین نتایج در کلاس هنر منجر شود و درود بر معلمانی که همواره از بهترین روش‌ها در آموزش درس‌ها بهره می‌گیرند.

تکالیف یادگیری انگیزه‌ی درونی داشته باشند و جریان یاددهی-یادگیری به انگیزش بیرونی متکی نباشد. لازم است آموزش هنر بر فعالیت‌های لذت‌بخش و ارضاکنده مبتنی باشد تا نتایج حاصل از اجرای آن‌ها یا تجربه‌هایی که به دست می‌آید، در خارج از کلاس درس نیز کاربرد داشته باشد. در این صورت، آموزش به خوبی تحقق می‌یابد.

در اغلب رویکردهای آموزش هنر معاصر، فعالیت‌ها به نحوی برنامه‌ریزی و طراحی می‌شوند که کودکان را به تفکر یا به حل مسئله وادارند. معلم فرایند انجام کار و نتیجه‌ی نهایی را مورد نظر قرار می‌دهد و کودکان را در مسیر تفکر، ایده‌یابی، اجرا و روش بیان موضوع تشویق می‌کند. در این شرایط درک موضوع، ایده‌یابی و کشف بهترین شیوه‌ی اجرای فعالیت هنری و نتیجه‌ی نهایی متعلق به کودک و منحصره‌فرد است. بنابراین، تأیید کودک در او اعتمادبه‌نفس ایجاد و او را به انجام تجربه‌های مشابه تشویق می‌کند.

در این رویکردها، روش آموزش صرفاً بر ایجاد مهارت‌های هنری مبتنی نیست، بلکه هدف پرورش ذهنیت و خلاقیت کودکان است. زیرا این آموزش‌ها به دنبال تربیت هنرمند نیستند و پرورش توانایی‌های عمومی کودکان مورد نظر است تا همه‌ی آن‌ها در زندگی و شغل آینده، افرادی متفکر، مبتکر و توانمند باشند. آن‌ها باید در حین تجربه‌های خود با خلق اثر هنری آشنا شوند و بتوانند ارتباط میان احساسات و ادراکات هنرمند را با اثر هنری درک کنند. همچنین، بیاموزند که درباره‌ی اثر خود و دیگران بیندیشند و درباره‌ی آن‌ها صحبت کنند. بدین ترتیب می‌توانند ارتباط میان هنر و فرهنگ را درک کنند.

طراحی فعالیت‌ها باید متناسب با وضعیت روحی و جسمی شاگردان صورت بگیرد تا علاوه بر اینکه برای کودکان لذت‌بخش و آموزنده است، انگیزه‌ی فعالیت‌های بعدی را در آن‌ها ایجاد کند. در چنین شرایطی، کشف استعدادها و علاقه‌های کودکان، در ضمن فعالیت‌های متنوع و آزاد هنری میسر می‌شود و معلم می‌تواند انگیزه‌های درونی شاگردان را شناسایی و تقویت کند تا هر یک راه خود را بیابند و به شیوه‌ی صحیح ادامه دهند. از طرف دیگر، برای ابتکار و خلاقیت به انگیزه‌ی بیرونی مانند تشویق و جایزه متکی نباشند و به صورت خودجوش به تفکر، خلاقیت و ایجاد زیبایی در زمینه‌های مختلف بپردازند. بدین ترتیب، ارتباط میان هنر و زندگی را درک کنند.

با توجه به موارد ذکر شده، تأثیر انجام فعالیت‌های هنری بر شکل‌گیری شخصیت کودکان مشخص می‌شود. در صورتی که در روش‌هایی که ابتدا در مورد آن‌ها صحبت شد، معلم کودکان را به تقلید از روش



تجربه‌ی یک کار متفاوت!

معلم‌های خوش‌فکری هستند که برای تفهیم درس‌ها به دانش‌آموزانشان روش‌های ابداعی خودشان را دارند. خوب است شبکه‌ای ایجاد شود که این تجربه‌ها در آنجا به اشتراک گذاشته شوند. برای شروع، در این صفحه و در هر شماره، تعدادی تجربه منتشر می‌شود. شما هم می‌توانید از تجربه‌های آموزشی خود بنویسید و یا فیلم‌برداری کنید و گزارش آن را بنویسید و برای ما ارسال کنید تا به نام خودتان چاپ شود و فیلم‌ها در سایت مجله در اختیار دیگران گذاشته شود.

ایجاد علاقه به هنر چرم‌دوزی و آشنایی با آن

هنگام بحث درباره‌ی آموزش هنر به کودکان دوره‌ی دبستان، این سؤال در ذهن مطرح می‌شود که آیا باید به هنر به عنوان یکی از درس‌های اصلی نگاه کرد که به رشد و شکوفایی خلاقیت و مهارت کودک می‌انجامد، یا به عنوان ابزاری برای درک سایر مفاهیم آموزشی؟ این سؤال، با تجربه‌ای که در کارگاه هنر داشتیم، تا حدی پاسخ داده شد؛ اینکه از یک طرح هنری چگونه می‌توان به علوم و مهارت‌هایی چون مشاهده‌گری پرداخت و در عین حال به پرورش خلاقیت و بروز استعداد هنری کودکان رسید و چه بسا نکاتی تربیتی چون سخت‌کوشی و صبوری را هم پوشش داد. در درس هنر بچه‌ها می‌توانند با ابزارهای جدید آشنا شوند، آن‌ها را در دست بگیرند، مهارت استفاده از آن‌ها را پیدا کنند، در کنار لذت‌ها و هیجان‌ها با چالش‌ها و دشواری‌های مسیر یادگیری مواجه شوند و در نهایت به محصولی که حاصل وقت‌گذاری‌شان در این زمینه است دست یابند و احساس رضایت و اعتمادبه‌نفس را تجربه کنند.

یکی از هنرهایی که امسال به آن پرداختیم، هنر چرم‌دوزی بود. در مدرسه محیطی را فراهم کردیم که دانش‌آموزان کلاس سوم با انواع چرم مصنوعی و طبیعی آشنا شوند، آن‌ها را لمس کنند و درباره‌ی بافت، زبری و نرمی، و درشتی و کوچکی بافت روی چرم‌ها گفت‌وگو کنند، بوی آن‌ها را استشمام کنند، متوجه تفاوت چرم‌ها با یکدیگر شوند و کاربرد آن‌ها را بدانند. همان‌جا بود که از دانش‌آموزان شروع به سؤال

- پرسیدن درباره‌ی مشاهداتشان کردم:
- چه تفاوتی بین دو نوع چرم می‌بینید؟
 - سطح روی چرم طبیعی چگونه است؟
 - چرم طبیعی از چه حیواناتی به دست می‌آید؟
 - شباهت‌های چرم طبیعی و مصنوعی چیست؟
 - بوی این دو نوع چرم چه تفاوتی دارد؟
 - مقاومت کدام چرم بهتر است؟
 - کاربردهای چرم چیست؟
- البته برای تحقیق خود دانش‌آموزان هم فرصتی ایجاد کردیم تا بتوانند در فضای بیرون از مدرسه به دنبال شناخت بهتر این هنر باشند.
- شروع کار:** قرار بود دانش‌آموزان را



زدن چرم به همدیگر کمک می‌کردند یا به هم امیدواری می‌دادند. بعد از این مرحله، به مرحله‌ی نخ کردن و سوزن و دوخت رسیدیم. دانش‌آموزان، با تبحری که در کارگاه دوخت به دست آورده بودند، توانستند با دستان کوچکشان جاکلیدی را بدوزند. خودشان باورش‌شان نمی‌شد کارهایی چرمی را که قبلاً در بازار دیده بودند و تا دیروز فکر می‌کردند با چرخ خیاطی دوخته شده‌اند، بتوانند با دست خود، هر چند سخت و در طولانی‌مدت، بدوزند. اینجا بود که ارزش هنر دستشان را فهمیدند.

چرم، چسب مایع، خط‌کش، حلقه‌ی جاکلیدی. با سمبه می‌توانیم سوراخ‌های دقیقی در بیاوریم و با نخ موم‌زده آن را کوک بزنیم. دانش‌آموزان برای اولین بار سمبه را به دست گرفتند. سوراخ کردن چرم کمی برایشان سخت بود. گاهی دست‌هایشان خسته می‌شد و چند لحظه‌ای کار را کنار می‌گذاشتند. سمبه زدن و سوراخ کردن چرم کار سختی بود که به تجربه‌اش می‌ارزید. به قول خودشان، با تلاش همه چیز درست می‌شود. بعضی از بچه‌های کلاس برای سمبه

با «چرم و هنر دوخت آن» که یکی از سخت‌ترین دوخت‌ها و نیازمند به زور بازوی زیادی است آشنا کنیم. وقتی وارد کلاس شدم و وسایل چرم را روی میز گذاشتم، دانش‌آموزان متعجب بودند که این ابزار در کجاها استفاده می‌شوند. ابزار را برایشان معرفی کردم: **سمبه:** ابزاری است برای سوراخ کردن چرم تا بتوان با سوزن و نخ چرم را دوخت. **نخ موم زده:** نخ‌ی ابریشمی که با موم آغشته شده و محکم و مقاوم است. **سوزن، قیچی، الگوی جاکلیدی،**

صد زبان کودکی

رویکرد آموزشی رگیو امیلیا

هم‌زمان با فرونشستن شعله‌های جنگ جهانی دوم، لوریس مالاگاتسی، در ناحیه‌ی «رگیو امیلیا» در ایتالیا آموزگار بود. او برای حرفه‌ی آموزگاری‌اش به دانش بیشتری نیاز داشت. برای همین در دانشگاه در رشته‌های آموزش و پرورش و روان‌شناسی تحصیل کرد.

می‌خورند. کارهای دستی کودکان هم روی دیوارها و زمین خودنمایی می‌کنند. مالاگاتسی در سال ۱۹۸۰ مرکز ملی خردسالان را در رگیو امیلیا بنیاد گذاشت تا رویکرد آموزشی کودک‌محور خود را بگسترده. او سپس سفری را به اروپا و آمریکا آغاز کرد و با برپایی نمایشگاه «صد زبان کودکی» موفق شد رویکرد آموزشی خود را در ورای مرزهای جغرافیایی ایتالیا رواج دهد. لوریس مالاگاتسی تا زمان مرگ خویش زندگی خود را وقف گسترش آنچه ما اکنون با عنوان «رویکرد رگیو امیلیا» می‌شناسیم، کرد.

با راهنمایی لوریس مالاگاتسی، کارکنان مراکز نونهالان و کودکان، نمونه‌هایی از روش‌های مناسب سراسر جهان را مطالعه کرده‌اند. آن‌ها در گسترش رویکرد آموزشی رگیو امیلیا از دیدگاه‌های فکری و زبانی **ماریا مونتته سوری** و **ژان پیاژه** تأثیر گرفته‌اند. گرایش آن‌ها به پژوهش‌های **ویگوتسکی** در زمینه‌ی ارتباط میان تعامل اجتماعی و رشد شناخت، به تأکید بر آموزش گروهی انجامیده است. همچنین، از بسیاری هنرمندان، دانشمندان، نویسندگان، شاعران و همچنین اندیشمندان نیز تأثیر پذیرفته و بیشتر کودکان‌های رگیو امیلیا را به نام‌های ایشان نام‌گذاری کرده‌اند؛ کودکان‌هایی همچون **پائولو فریره**، **میکل آنژ** و **پابلو نرودا**.

شبکه‌ی کودکان‌ها و نونهالان شهری، با گروهی از کارشناسان تعلیم و تربیت هماهنگ است. هر کارشناس تعلیم و تربیت

با پایان یافتن جنگ، مالاگاتسی به وجود یک روش آموزشی مناسب برای کودکان پیش‌دبستانی احساس نیاز کرد؛ روشی که در آن به شخصیت و نظر کودکان اهمیت داده و رابطه‌ای دو سویه بین آموزگار و کودکان برقرار شود.

او می‌اندیشید، کودک در سال‌های آغازین زندگی، هویت و شخصیت خود را برای همه‌ی عمر پایه‌گذاری می‌کند. این اندیشه رویکردی را پایه گذاشت که آموزش به کودک باید بر پایه‌ی احترام، مسئولیت‌پذیری و مشارکت و از طریق کاوش و پویایی پیش برود. در این رویکرد، کودک، پدر و مادر، مربی و محیط مهم‌ترین نقش را در آموزش بر دوش دارند.

اساس روش مالاگاتسی در مفهوم این عبارت نهفته است: «صد زبان کودکی». او باور داشت کودکان برای بیان و آموختن از صد زبان کمک می‌گیرند. بر این اساس، کودکان بر اساس علاقه‌ی خود موضوعی را برای کاوش برمی‌گزینند و با به کار بردن حواس به کشف رابطه‌ها می‌پردازند و درک و دریافته‌شان را با هر زبانی که می‌خواهند، از نقاشی گرفته تا پیکر تراشی، نوشتن یا بازی، بیان می‌کنند. ارتباط و همکاری کودکان با یکدیگر برای حل مسئله و نزدیکی تنگاتنگ با طبیعت و بهره بردن از محیط برای آموزش، از ویژگی‌های این رویکرد به شمار می‌روند. محیط آموزش در رویکرد رگیو امیلیا با طبیعت پیوند خورده است. ساختمان آموزشگاه از نور طبیعی روشنایی می‌گیرد و گیاه و آیینه همه جا به چشم

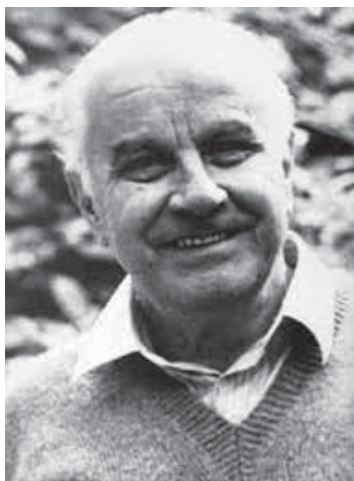


مسئولیت شمار اندکی از کودکان‌ها و نونهالان را به عهده دارد. کارشناسان تعلیم و تربیت به برنامه‌ریزی کاری، تربیت آموزشگر و ملاقات مادران و پدران می‌پردازند و همواره با آموزشگران درباره‌ی برنامه‌ها و محیط درسی مشورت می‌کنند.

سازمان‌دهی

در مدرسه‌های رگیو امیلیا

کودکان به طور منظم در طول هفته در کودکان‌ها و مراکز نونهالان حضور می‌یابند. از سه سالگی به بعد پنج روز در هفته تمام وقت در کلاس حاضر می‌شوند. به طور معمول زمان کلاس‌ها از ساعت ۹ تا ۱۵:۳۰ است و کلاس‌هایی با زمان طولانی‌تر نیز از ساعت ۷:۴۰ صبح تا ۱۸:۲۰ بعدازظهر برای کودکان دارای پدران و مادران کارمند تشکیل می‌شوند.



لوریس مالاگاتسی

۱۹۲۰-۱۹۹۴



- می‌کنند
- خلاقیت به خصوص از طریق هنر برجسته می‌شود.
- فضای کلاس بازتابی از اجتماع است.
- مربیان معمولاً با یک گروه ثابت از کودکان به مدت سه سال کار می‌کنند.
- مربیان با هم کار می‌کنند.
- این رویکرد باید بر اساس فرهنگ خود کودک کشف و بازتعریف شود تا بتواند به شکل اثربخشی در جاهای دیگر اجرا شود.

جایگاه مربی در این رویکرد

در رویکرد آموزشی رجیو امیلیا نقش آموزشگر نه تنها آموزش، بلکه یادگیری نیز هست. کارکنان آن‌ها به این درک رسیده‌اند که باید همواره دانش و مهارت خود را افزایش دهند و به بررسی چگونگی یادگیری کودکان بپردازند. آموزشگران در

ارزش‌های اصلی در مدرسه‌های رجیو امیلیا

- روابط
- خلاقیت
- محیط
- زمان
- یادگیری و تدریس
- روش یاد دادن بازخورد محور
- الگوی رجیو امیلیا منطبق با سیستم یادگیری مشارکتی در نظریه‌ی انسان‌گرایی شکل گرفته است.

مشخصه‌های کلی رویکرد رجیو امیلیا

- والدین در یادگیری کودکان مشارکت دارند.
- کودکان و مربیان، همان‌طور که در مورد دنیای پیرامون خود می‌آموزند، به‌طور مشترک در پروژه‌های تحقیقی فعالیت

شیفتهای کاری به گونه‌ای سازمان‌دهی شده‌اند که تمامی کارکنان، هنگام صبح که مرکز شلوغ‌تر است، حضور داشته باشند. برنامه‌ی کاری کارکنان هم به شکلی طراحی می‌شود که بتوانند به طور منظم یکدیگر را ملاقات کنند و به شکل روزانه یا هفتگی، مشاهده‌ها، اطلاعات و نظرهای خود را با هم در میان بگذارند. هر کودکستان و مرکز نونهالان یک آموزشگر فنی دارد. آموزشگر فنی ماهر و علاقه‌مند به کارهای خلاق است. او ممکن است هنرمند، موسیقی‌دان، طراح حرکتهای موزون، عکاس، زمین‌شناس یا کارشناس فناوری اطلاعات و ارتباطات باشد. آموزشگران فنی در اجرای پروژه و برنامه‌ریزی دراز مدت برای کودکان به آموزشگران دیگر کمک می‌کنند. همچنین، مهارتهای خلاق خود را با آموزشگران و کودکان به اشتراک می‌گذارند.

گروه‌های دو نفره با کودکان کار می‌کنند و طی یک روز کاری پیوسته با هم در ارتباط هستند. در طول روز، آن‌ها فرصت‌هایی برای سهیم شدن دیده‌ها و مشاهده‌ی مستندها دارند و آنچه را دیده‌اند، با یکدیگر تفسیر می‌کنند. تمرکز روی این تفسیرها و مشاهده‌ها به آن‌ها کمک می‌کند امکان‌ها و منابعی را که می‌خواهند روز بعد به کودکان بشناسند، مشخص کنند.

نشست‌های هفتگی با حضور تمام کارکنان، از جمله آموزشگران و آموزشگران فنی، به آن‌ها فرصت سهیم شدن مشاهده‌ها و ایده‌هایشان را می‌دهد. مطالعه‌ی مستندهای ساخته شده درباره‌ی تجربه‌های یادگیری کودکان در این نشست، امکان استفاده از دیدگاه‌ها و تجربه‌های دیگر افراد را برای آن‌ها فراهم می‌کند. این نشست‌های هفتگی برای افراد و کارکنان تازه به عنوان دوره‌ی تربیت آموزشگر به شمار می‌رود و به آن‌ها توانایی می‌دهد که به شکل عملی از تجربه‌های همکاران خود بهره بگیرند. هر کسی، گذشته از تجربه، باید ایده و نظر خود را در نشست‌ها بیان کند. تمام دیدگاه‌ها نوشته می‌شوند و مورد بحث قرار می‌گیرند. مربی در این رویکرد محقق و پژوهشگری



مبانی نظری رویکرد رژیو

- در رویکرد آموزشی رژیو امیلیا، ارتباط و یادگیری در یک فرایند آموزشی همراه یکدیگرند، به وسعت بخشیدن شبکه‌های ارتباطی هم بسیار توجه می‌شود. گرچه تمرکز اصلی روی کودکان است، اما نقش مربیان، والدین، اجتماع، پیرامون و مرتبط بودن آن‌ها با هم بسیار مهم و اساسی است و این مهارت‌ها باید با هم متناسب و هماهنگ باشند تا رشد و یادگیری اتفاق بیفتد.
- روابط محکم و مثبت میان افراد در کانون رویکرد آموزشی رژیو امیلیا جای دارد. روابط میان آموزشگران و کودکان، کودکان و پدران و مادران و آموزشگران و پدران و مادران دو

- از باب توجه به رشد اجتماعی کودک، خلاقیت و آفرینش، به مانند اندیشه‌ی **فروبل** است.
- از جهت درک واقعیت ناشی از تجربه‌های تعامل کودک با محیط و درگیری مستقیم با اشیا نیز به نظریات **دیویی** و **پیاژه** نزدیک است. گرچه یکی از منتقدان اساسی پیاژه هم به شمار می‌رود.
- **مالاکانسی** با الگویی که ارائه می‌دهد، تصویری بسیار قدرتمندتر از هوش، هیجان، کنجکاوی و رفتارهای اجتماعی کودکان، نسبت به آنچه پیاژه بیان می‌دارد، به نمایش می‌گذارد.

نظریه‌ی حاکم بر رویکرد آموزشی رژیو امیلیا از نظریات و تجربه‌های اندیشمندان بزرگ تعلیم و تربیت سرچشمه گرفته است:

- از آن جهت که بر فرایند تفکر که بازده اصلی رشد شناختی است تأکید دارد و از کودک می‌خواهد مهارت‌های فکری‌اش را در موقعیت‌های مختلف به کار گیرد، به نظریه‌ی **برونر** شبیه است.
- از آن سو که به فردیت کودک توجه می‌کند و به مربی نیز به عنوان راهنما و مشاهده‌گر می‌نگرد، متمایل به روسوست.
- از جهت توجه به نقش تفکر و زبان برای ساختن نظریه و عمل به **ویگوتسکی** می‌ماند.

مستندسازی

در این رویکرد آموزشی، مستندسازی نقشی مهم و اساسی دارد. مستندسازی به عبارتی ثبت متنوع فعالیت‌های انجام شده‌ی کودکان در مراحل مختلف است. از آنجا که این سیستم چیزی به نام امتحان و نمره و سطح‌بندی یا امتیازبندی ندارد، طبیعی است سعی می‌کند از مراحل کار نمونه و شواهدی برای نشان دادن روند رو به رشد کار هر کودک یا گروه کودکان جمع‌آوری کند. بخشی از این شیوه‌های مستندسازی عبارت‌اند از:

گزارش‌های روزانه‌ی معلمان: معلمان در این سیستم هر روز گزارش‌های کار خود را در قالب یک الگوی مشخص ثبت می‌کنند.

گزارش فعالیت‌های خاص: معلمان علاوه بر گزارش روزانه، گزارشی از یک پروژه‌ی خاص نیز تدوین می‌کنند.

گزارش‌های فردی: معلمان برای هر کودک در پایان هر ماه یک گزارش فردی تهیه می‌کنند. **گزارش‌های عمومی:** مدیر آموزشی مرکز گزارش‌هایی عمومی از روند کار تهیه می‌کند و در اختیار شرکای کار قرار می‌دهد.

عکس و فیلم‌برداری: بسیاری از فعالیت‌های بچه‌ها در مراحل گوناگون کار از طریق عکس و فیلم ثبت می‌شود.

نمونه کارها: نمونه‌هایی مانند نقاشی، نوشته و دست‌سازهای کودکان جمع‌آوری و آرشیو می‌شوند.

پروژه‌های کودکان: پروژه‌هایی که کودکان در طول سال انجام می‌دهند مرتب جمع‌آوری می‌شوند.

گزارش‌های کودکان: کودکان پس از بازدیدها یا سفرهای فردی و گروهی گزارش‌های کار خود را تهیه می‌کنند.

گزارش‌های والدین و مجموعه نمونه‌ها و برنامه‌هایی که در خانه آماده می‌شوند.

انواع اطلاعیه‌ها، نامه‌ها و خبرنامه‌هایی که مرکز آموزش تهیه می‌کند.

مجموع این مستندات، پس از طبقه‌بندی تحلیل و بررسی می‌شوند و حتی بسیاری از آن‌ها به صورت کتاب یا جزوه‌های آموزشی در اختیار سایر مراکز آموزشی قرار می‌گیرند.

در رویکرد آموزشی رژیو امیلیا، مستندسازی کاربردهای زیر را دارد:

ثبت روند پیشرفت از راه کمک به آموزشگران برای دیدن و درک یادگیری فردی کودکان و نیز درک نقش آن‌ها در یادگیری تمام اعضای گروه.

ارزش نهادن به ایده‌های کودکان با نشان دادن توجه به چگونگی ارائه و به اشتراک گذاشتن کار آن‌ها.

تشویق کودکان به تمرکز، از راه ایجاد فرصت مشاهده‌ی دوباره‌ی تجربه‌های گذشته و درک روند یادگیری از سوی آن‌ها.

کمک به برنامه‌ریزی با استفاده از پیشنهاد به آموزشگران درباره‌ی منابع، تجربه‌ها یا مهارت‌هایی برای ارائه به کودکان.

جلب مشارکت مادران و پدران از راه ارائه‌ی اطلاعات درباره‌ی زندگی در مرکز و کمک به درک بیشتر آن‌ها در زمینه‌ی یادگیری فرزندانشان.

کمک به پیشرفت کارشناسی آموزشگران با استفاده از تولید منابعی برای خواندن، بحث و تفسیر با همکاران و گروه مشاوره‌ی آموزشی.

ارزش نهادن به زندگی و کار مرکز از راه ارائه‌ی کار کودکان در بیرون از مرکز، در مکان‌های همگانی، خیابان‌ها و فروشگاه‌های شهر رژیو امیلیا و سراسر جهان، در قالب نمایش صدها زبان کودکان.

است که به طور مداوم کودک را بررسی، شناسایی و ارزیابی می‌کند. او می‌کوشد نیازهای کودک را از طریق زبان‌هایی که کودک به کار می‌گیرد، کشف کند و بر اساس آن نیازها، فعالیت‌های جدیدی را سازمان‌دهی کند. از سوی دیگر می‌کوشد کودک را به عنوان مدرکی زنده، فعال و پویا بررسی کند تا جایگاه فعلی او را بشناسد. در مراکز پیش‌دبستانی مبتنی بر دیدگاه مالاگاتسی، اتاق مربیان باید به شکلی باشد که بتوانند با دیگر همکاران دیدار کنند و مشاهدات و برنامه‌های خود را با هم سهیم شوند و درباره‌ی آن‌ها مطالعه کنند. همچنین، از منظر لوریس مالاگاتسی، مربی باید از طریق تعامل با خانواده تلاش کند به نیازهای والدین نیز توجه کند. مربی پلی بین والدین، جامعه‌ی محلی و کارشناسان و برنامه‌ریزان با کودک است و مفاهیمی را که در سایه‌ی تعامل شکل گرفته‌اند، به کودکان می‌آموزد. مربی همان‌طور که فعالیت‌ها را سازمان‌دهی می‌کند، برنامه‌ریزی می‌کند، فکر می‌کند، تعبیر و تفسیر می‌کند، و کمک می‌کند بهترین فرصت‌ها در اختیار کودکان قرار گیرند.

سویه است. آموزشگران، کودکان و مادران و پدران به یکدیگر احترام می‌گذارند و به دیدگاه‌های هم‌گوش می‌دهند. مالاگاتسی به پاس کوشش‌هایش در آموزش کودکان پیش‌دبستان، در سال ۱۹۹۲ میلادی جایزه‌ی «دراسیل لگو» از کشور دانمارک و جایزه‌ی «کل» از آمریکا را در سال ۱۹۹۳ دریافت کرد. او سرانجام در سال ۱۹۹۴ در خانه‌اش در رژیو امیلیا درگذشت.



در مدرسه‌های چندپایه چه می‌گذرد؟

گزارش نشست با راهبران آموزشی چندپایه‌ی استان زنجان چندی پیش مهمان راهبران خونگرم و کاربلد استان زنجان بودم که گفت‌وگوی به نسبت مفصلی با سیزده تن از آنان در موضوعات مربوط به حوزه‌ی راهبری آموزشی چندپایه داشتم. این گفت‌وگو می‌تواند شمه‌ای از مسائل و مشکلات راهبران عزیز را نشان دهد.

دارند و اتاق اضافه پیدا نمی‌شود که حتی به صورت اجاره به معلمان بدهند. ما خودمان در چنین روستاهایی بوده‌ایم و به این مشکلات برخورد داریم.

● در صحبت‌ها به نکته‌ی جالبی اشاره می‌کنند:

«کلاس‌های چند پایه و ابتدایی یا از ناحیه‌ی تجربه آسیب می‌بینند و یا از ناحیه‌ی انگیزه. اگر معلم تجربه نداشته باشد، ما راهبران با کمک‌های خود آن را درست می‌کنیم، ولی انگیزه به راحتی درست نمی‌شود. واقعاً راهبر و مسئول آموزش و دبیرخانه‌ی چندپایه یک تنه نمی‌تواند انگیزه‌ی لازم را به معلم تزریق کند، چون معلم باید در عمل انگیزه پیدا کند.»

● از آن‌ها می‌خواهم این موضوع را بیشتر بشکافند و درباره‌اش توضیح دهند.

انگیزه فقط به تدریس، کلاس و کار با دانش‌آموزان مربوط نیست. روستایی با ۳۲ دانش‌آموز دو معلم دارد و مدرسه‌ی دیگری با ۲۳ دانش‌آموز سه معلم دارد. این‌ها تبعیضاتی هستند که اتفاق می‌افتند و معلم را آزار می‌دهند. در

نگرش مثبت ندارند. البته غالباً خود چندپایه‌بودن مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه شرایط و مشکلات نقاط روستایی باعث نگرش منفی معلم می‌شود.

● برای مثال چه مشکلاتی مطرح‌اند؟

۱. مدرسه‌های چندپایه به طور عموم دورافتاده‌اند و معلمان را با چالش‌هایی غیر از آموزش درگیر می‌کنند.
۲. رفت و آمد معلمان، وضعیت مسیر و جاده‌ها از مشکلات اصلی هستند. به خصوص در زمستان سختی مسیر بیشتر است و معلمان گاهی برای رفتن به مدرسه با جان خود بازی می‌کنند. گاهی هم به دلیل سختی مسیر و بسته‌بودن راه، دو سه ماه در روستا می‌مانند.

۳. روستاها از لحاظ بهداشت و آب مصرفی و حمام و غیره مشکل دارند و به ندرت امکانات ابتدایی مثل برق و گاز دارند.
۴. اکثر مدرسه‌های چندپایه در روستاها دو سه کلاس هستند و وقتی هر دو کلاس پر باشد، اسکان معلمان به یکی از مشکلات اساسی تبدیل می‌شود. چون در روستاها مردم اکثراً خانه‌های کوچکی

● معلمان چندپایه خودشان را چطور می‌بینند؟

۱. ما معلم حرفه‌ای چندپایه که صرفاً برای خدمت و ماندگاری در این حوزه تربیت شده باشد، نداریم.

۲. موقعیت مدرسه‌های چندپایه موقعیت‌های آموزشی سختی هستند که در اولویت انتخاب معلمان قرار نمی‌گیرند.

۳. رفتن به مدرسه‌های چندپایه غالباً اختیاری و انتخابی نیست، بلکه اجباری و تحمیلی است.

۴. معمولاً همکاران به شرطی آنجا می‌روند که پست مدیریت داشته باشند، وگرنه در شرایط عادی کسی نمی‌رود کلاس سه پایه و چهار پایه را انتخاب کند که هم از لحاظ سنی و هم پایه‌ها، تفاوت بین بچه‌ها زیاد است.

۵. چون معمولاً روستاهای دور افتاده مدرسه‌های چندپایه دارند، یا معلمان کم‌سابقه به آنجا می‌روند یا معلمان خیلی باسابقه که در آستانه‌ی بازنشستگی قرار دارند، غالباً انگیزه‌ی لازم وجود ندارد. مجموعه‌ی این شرایط باعث می‌شود همکاران چندپایه شامل افرادی باشند که نسبت به معلم چندپایه بودن



انگیزه‌مند با کلاس و کارگاه و آموزش روش تدریس راه می‌افتند، ولی فاصله‌ی ما با معلمانی است که مثلاً بیست و هفت هشت سال سابقه‌ی غیر مرتبط دارند و گاهی هیچ‌گونه همکاری‌ای با ما نمی‌کنند.

● واکنش شما در مقابل این برخوردها چیست؟

به عنوان راهبر باید برای هر کدام از این معلم‌ها برنامه داشته باشیم. تعیین جغرافیای آموزشی عامل امنیت و توسعه در حوزه‌ی راهبری است. جغرافیا یعنی اینکه من مدرسه‌هایم را در زمین طوری بچینم که ارتفاع انتظاراتم یکی نباشد. یعنی در یک مدرسه با یک ارتفاعی پرواز می‌کنم و در مدرسه‌ای دیگر با ارتفاعی دیگر. به این می‌گویند بومی‌سازی و انعطاف. اگر راهبر انعطاف نداشته باشد، این طرح نظارتی شکست می‌خورد و معلم هم سرخورده می‌شود.

● آیا شما جنبه‌های دیگری از چندپایه را پیدا کرده‌اید که بتوانند منشأ انگیزه‌ی درونی شوند و بر سختی‌های فیزیکی غالب شوند؟

بیشتر تأکید ما در نظام آموزشی روی یادگیری‌های علمی دانش‌آموزان است. ما روی رشد عاطفی، شناختی، حرکتی و اجتماعی دانش‌آموز تأکید چندانی نداریم. اگر معلم روان‌شناس خوبی باشد، مهارت‌های اجتماعی و زندگی واقعاً در کلاس‌های چندپایه خود را نشان می‌دهند. دانش‌آموزی که در روستا از روی یک چاله می‌پرد، ریاضی را می‌داند و می‌داند با چه سرعت و فاصله‌ای باید بپرد تا موفق شود.

به نظر می‌رسد در کشور ما برای معلمان چندپایه و برنامه‌های چندپایه برنامه‌ای لحاظ نشده و این دیده نشدن ما را دچار سردرگمی می‌کند. نه کتاب‌ها تناسب دارند، نه برنامه‌ها. با

ممکن است تناقضاتی ایجاد شود. این ارتباط چگونه شکل می‌گیرد؟ راهبرانی که اینجا هستند، مطمئناً قبل از اینکه وارد این پست شوند، می‌دانستند باید راهبر مدرسه‌های چندپایه بشوند و خودشان همسو، هم‌داستان و موافق کلاس‌های چندپایه بوده‌اند. یکی از دلایل هم راستا بودن آن‌ها با معلمان و کلاس‌های چندپایه، پذیرش راهبران توسط معلمان است.

الان راهبران با معلمان تعامل خوب و دوستانه‌ای دارند. رویکرد راهبران نسبت به معلمان چندپایه، حمایتی و نظارتشان مشارکتی و همدلانه است. با توجه به اینکه درد معلمان ما درد دیده شدن است، همین که راهبران به مدرسه‌های روستایی می‌روند و کار معلمان را انعکاس می‌دهند، معلمان از آن استقبال می‌کنند. مشکلاتی هم هست، ولی به نوع ارتباط راهبر با معلم بستگی دارد. وقتی راهبر مشکل معلم را مشکل خود بداند و برای رفع آن به او کمک کند، قطعاً معلم از او استقبال خواهد کرد. با وجود این چالش ما با معلم‌هایی است که نه تجربه دارند و نه انگیزه. افراد کم تجربه ولی

کشوری مثل استرالیا، برای چند پایه سه چهار کتاب دارند و ما فقط برای پایه‌ی چهارم ۱۲ جلد کتاب داریم. این حجم خواه ناخواه روی کیفیت تدریس تأثیر می‌گذارد. انگیزه، آسودگی خیال یک معلم چندپایه هم هست که وقتی می‌خواهد به مدرسه برود، حداقل دغدغه نداشته باشد که آیا وسیله هست؟ آیا راه باز است؟ یا موقع برگشت، وسیله‌ای هست تا برگردم؟ این استرس‌ها خودبه‌خود در وضعیت آموزشی بچه‌ها هم تأثیر می‌گذارد. شرایط محیطی هم باید طوری باشد که او بتواند تا آنجا که می‌شود کار را پیش ببرد. در این صورت است که می‌توانیم بگوییم کم‌کاری نمی‌کند. در مدرسه‌های روستایی، همه‌ی کارها بر عهده‌ی معلم است، اما روند انجام همه‌ی کارها خوب پیش نمی‌رود.

● با توجه به شرایطی که بر مدرسه‌های چندپایه حاکم است، معلم چندپایه دیدگاهی نسبت به حرفه‌گری خودش دارد و شما هم به عنوان راهبر نسبت به این معلم دیدگاهی دارید. بنابراین،



زیادی انجام داده‌ایم. مثلاً پارسال در یک روستا پنج نفر از دخترانی را که به خاطر اشتغالشان به فرش بافی، والدینشان به آن‌ها اجازه‌ی ادامه‌ی تحصیل نمی‌دادند، جذب کردیم. یا یکی از مناطق ما که سال گذشته در بحث پیش‌دبستانی ۱۴ روستا را فعال کرده بود، امسال کلاس‌های پیش‌دبستانی‌اش را به ۲۲ مورد رسانده است، چون آموزش اولیای روستایی هم در طول این دو سال خیلی اتفاق افتاده است.



راهبران با اشتیاق از اقداماتی می‌گویند که در نقش راهبر آموزشی برای بهبود کیفیت کلاس‌های چندپایه انجام داده‌اند. آمارهایی را به عنوان شواهد تلاش‌ها و پیگیری‌هایشان بیان می‌کنند، از جمله اینکه در یکی از مناطق، در طول هشت سال، کلیه‌ی بازدیدهای مدیران مجتمع از مدرسه‌های روستایی آنجا بیش از ۳۰۰ بار نبوده است، اما در یک سال، راهبران در همان منطقه نزدیک به ۷۰۰ بازدید از مدرسه‌های چندپایه‌ی روستایی انجام داده‌اند. یعنی بازدیدها بیست برابر بیشتر از قبل شده است. مثلاً اگر در گذشته

چهارم ساکت باشند و خاموش، آن وقت معلم فقط برای کلاس پنجم تدریس کند. از این باب، می‌خواستیم معلم را توانمند کنیم تا بتواند همه‌ی پایه‌ها را درگیر و مدیریت کند. هرچقدر در توان خودمان بود، گذاشتیم. حتی از تجربه‌های همکاران موفق عکس و فیلم می‌گرفتیم و می‌گفتیم می‌خواهیم ببریم سایر معلمان یاد بگیرند.

● **اگر طرح راهبران آموزشی استمرار پیدا کند، آیا وضعیت چندپایه بهبود پیدا خواهد کرد؟** معلمان خیلی از روش تدریس‌ها را نمی‌شناختند، ولی آمارها نشان می‌دهد با ورود راهبران چقدر فرق کرده‌اند. همکاران (معلمان) الان از نظر حضور منظم هستند و حضور مؤثر دارند. یعنی وقتی در کلاس هستند، حتماً بحثی برای تدریس دارند. همکاری داریم که با برخورد صحیح راهبران جذب روستاهای دورافتاده شده‌اند. از نظر آمار و درصد قبولی، مناطق بهتر شده‌اند. الان هیچ دانش‌آموز کلاس سوم نمی‌داریم که حروف الفبا را نشناسد. همان همکاری که نمی‌دانستند طرح جابر چیست یا آن را وقت گیر می‌دانستند، الان خودشان دارند پروژه‌های جابر را در چند پایه کار می‌کنند، چون ما پارسال مثلاً در یک منطقه ۱۶ کارگاه در مورد درس پژوهی، طرح جابر و روش‌های تدریس تلفیقی و مدیریت کلاس چندپایه برای معلمان برگزار کردیم، در حالی که قبل از آن سالانه دو کارگاه هم برگزار نمی‌شد. در سال‌های قبل، برای برنامه‌ی شهاب فرم‌ها عموماً سلیقه‌ای پر می‌شدند و هیچ نظارتی بر آن‌ها نبود، ولی ما در طول این دو سال این‌ها را و نحوه‌ی محاسبه کردن و امتیاز دادن در آن‌ها را ارزیابی و بررسی کردیم.

در مورد جذب دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل یا ترک تحصیل تلاش‌های

توجه به وضعیتی که داریم، به نظرم مدل‌ها باید این قدر منعطف باشند که کتاب در مدرسه‌های ما قابل هضم باشد. می‌توانیم معلمان چندپایه را با انواع برنامه‌ها اذیت نکنیم. فرصتی ایجاد کنیم که از انعطاف برنامه‌ی درسی و کتاب درسی و منابع آموزشی هم معلم لذت ببرد و هم دانش‌آموزان اثرش را ببینند. در واقع، مدل‌های ما نسبت به مدرسه‌های روستایی، به خصوص برای مدرسه‌های چندپایه، باید تغییر کند.

● **شما به عنوان راهبر در کلاس‌ها چه کار می‌کنید؟ مبنای فعالیت شما چیست؟ با چه هدفی کار راهبری را انجام می‌دهید؟**

پست راهبر آموزشی چند پایه در واقع کودک نوپایی است که نه شناسنامه‌ای دارد و نه جایگاهی. همکاران ما تمام انرژی خود را گذاشتند که معلمان بپذیرند ساختار جدیدی و با اسم جدید شکل گرفته، و ما نه به‌عنوان کسی که صرفاً بر امور اجرایی و بر مدرسه نظارت می‌کند، بلکه برای کیفیت‌بخشی به کلاس‌های چندپایه، اینجا هستیم. ما دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان و اولیا را نسبت به راهبران عوض کردیم. چون از واژه‌ی بازارس، همه و حتی اولیا و همه داشتند، ما این دیدگاه را عوض کردیم. حالا کارها از حالت دستوری خارج شده، اعتمادسازی صورت گرفته و مقاومت در برابر تغییرات کم شده است.

اتفاق افتاده سرکلاسی رفته‌ایم که معلمی سناریو و طرح درسی نوشته که ما خیلی چیزها از آن یاد گرفته‌ایم و در جلسات، از آن معلم خواسته‌ایم آن روش را برای سایر معلمان توضیح دهد تا یاد بگیرند. قرار نیست همیشه ما آموزش بدهیم. با این حال، چیزی که ما را در کلاس‌های چندپایه به عنوان راهبر آزار می‌داد، این بود که مثلاً در یک کلاس سه پایه، کلاس‌های سوم و



آمارهای مدرسه‌های روستایی استان زنجان

مدرسه‌های روستایی: ۸۰۰ مدرسه
 مدرسه‌های چندپایه: ۶۴۵ مدرسه
 مدرسه‌های روستایی تک پایه: ۱۵۵ مدرسه
 مدرسه‌های عشایری: ۰ مدرسه
 مدرسه‌های کانکسی: ۱۰ درصد
 از نظر ساختمان مدارس:
 مدرسه‌های نوساز: ۱۲ درصد
 مدرسه‌های قدیمی در حد تخریب: ۸۸ درصد
 تعداد راهبران آموزشی: ۶۲ نفر (همگی آقا)
 مدرسه‌های تحت پوشش راهبران: ۷۶۷ مدرسه

منبع: گزارش آقای سربی، معاونت چند پایه‌ی استان زنجان

از یک روستای دورافتاده در طول چهار سال، سه بار بازدید می‌شده، حالا در یک سال تعداد آن شش بار شده است. می‌خندند و با رضایت می‌گویند: «مردم روستاهای دور افتاده از ما واقعاً راضی‌اند. مثلاً وقتی راه روستاها بسته می‌شود، ما آنقدر با بخشداری و راهداری درگیر می‌شویم که راه را باز می‌کنند تا مردم راحت‌تر رفت و آمد کنند».

با وجود خبره بودنشان، کم ادعا هستند و حرف‌هایشان نشان می‌دهد به کاری که می‌کنند اعتقاد دارند. جنس خواسته‌هایشان هم از نوع حرفه‌ای است، مثلاً می‌گویند: «اگر در سازمان‌دهی و سامان‌دهی نیروهای چندپایه نقش راهبر را پررنگ کنند، فواید آن شامل حال کودکان روستایی خواهد شد. یا بهتر است دفتر تألیف کتب ابتدایی یک فکر اساسی برای حجم و تعداد زیاد کتاب‌های درسی در کلاس‌های چند پایه بکند.



در گزارش بعدی که در شماره‌ی بعد چاپ می‌شود، یک روز را با یک راهبر آموزشی به کلاس‌های روستایی می‌رویم و از نزدیک شاهد اقدامات او در کلاس هستیم.

شکلات‌هایی به شیرینی اردو

وسط درس، یکدفعه بغض فائزه ترکید و گریه‌اش بلند شد. وقتی علت را پرسیدم، با گریه جواب داد: «پدرم پیک موتوری کار می‌کند. دیروز موتورش را دزدیدند و حالا او بی‌کار شده است.»

فائزه رنگ پریده‌ای داشت و زمانی که لبخند زیبایش بر صورتش نقش می‌بست، دندان‌های پوسیده‌اش از وضعیت اقتصادی نامناسب دانش‌آموز ریزنقش من حکایت می‌کردند.

در آن لحظه، هیچ کاری جز دلداری فائزه از دستم بر نمی‌آمد. بعد از آن، هر روز درباره‌ی پیداشدن موتور پدرش از او سؤال می‌پرسیدم، اما هیچ خبری نبود. چند روز بعد، مدرسه اردویی ترتیب داده بود. در رضایت‌نامه، مبلغی به عنوان هزینه‌ی ایاب و ذهاب از دانش‌آموزان خواسته شده بود. روز اردو، فائزه آمد و به من گفت: «خانم، پدرم گفت به اردو نرو، به‌جایش وقتی موتورم پیدا شد، هر جا که خواستی می‌برمت.»

روزی در کلاس موقع پاسخ‌گویی به سؤالات کتاب «مهارت‌های نوشتاری»، در جواب این سؤال که: «راستی، اگر کفش‌هایت بال داشتند، چه اتفاقی می‌افتاد؟» فائزه نوشت: «آن کفش‌ها را می‌پوشیدم، پرواز می‌کردم، پیش خدا می‌رفتم و از او می‌خواستم هر چه زودتر موتور پدرم پیدا شود»

تا دفعه‌ی بعد بتوانم با دوستانم به اردو بروم.» این جواب، خیلی مرا تحت تأثیر قرار داد. روزی مشکلی برایم پیش آمد. از آنجا که به پاکی قلب دانش‌آموزان باور دارم، از آن‌ها خواستم برایم دعا کنند. برای پیداشدن موتور پدر فائزه هم دعا کردیم. دو هفته بعد، موقع ورود دانش‌آموزان به کلاس، برق خوش‌حالی را در چشم‌های فائزه دیدم. از بسته‌ی کوچک شکلاتی که در دست داشت، به راحتی می‌شد فهمید چه اتفاقی افتاده است. فائزه با خوش‌حالی گفت: «خانم، دفعه‌ی بعد به همراه دوستانم به اردو می‌آیم.»

همه‌ی دانش‌آموزان کلاس خوش حال شدند.

اکرم احمدی
دبستان بلال، ناحیه‌ی ۴ تبریز



خانم، شما مریض بودید؟

هشتم آبان ماه بود. حدود یک ماه و چند روز از شروع مدرسه‌ها می‌گذشت. من با شور و شوق فراوان، در حالی که یک ابلاغ کارگزینی در دست داشتم، خود را به مدیر مدرسه‌ی یکی از روستاهای سروآباد معرفی کردم.

اولین رویارویی با شاگردانم را هرگز فراموش نمی‌کنم. بعد از معرفی خودم و هم‌صحبت‌شدن با بچه‌ها، با توجه به وضعیت ظاهری‌شان، در مورد بهداشت فردی برایشان صحبت کردم و گفتم: «بچه‌ها، باید موها و لباس‌تان تمیز باشد و ناخن‌هایتان را کوتاه کنید تا مریض نشوید.»

وسط حرف‌هایم بود که یکی از بچه‌ها پرسید: «خانم، شما مریض بودید که دیر به مدرسه‌ی ما آمدید؟» خیلی تعجب کردم و پرسیدم: «عزیزم، چرا این حرف را می‌زنی؟»

گفت: «آخر ناخن‌های شما بلند است. گفتم شاید مریض شده بودید.»

حرف آن دانش‌آموز تأثیری عمیق بر من گذاشت. همان ابتدای کار، آن کودک معصوم به من یاد داد که اگر از دانش‌آموزانمان می‌خواهیم خوب باشند، باید ابتدا خودمان برایشان الگوی مناسبی باشیم. نمی‌توانیم فقط با حرف و شعار از آن‌ها انتظار خوب بودن داشته باشیم. معلم با رفتار و کردار نیک است که می‌تواند به دانش‌آموزان خود درس اخلاق بدهد.

نویسنده: محفوظ
مربوآن، مدرسه‌ی ابتدایی فاطمه‌الزهرا (س)



این است که آموزش‌های تخصصی همچون قرائت و حفظ، بدون دلیل وارد آموزش و پرورش شده‌اند، اما مجدداً باید متذکر شد، آموزش‌های تخصصی قرآن در چشم‌انداز و اهداف وزارت آموزش و پرورش نیست. بنابراین، این چنین نگاه‌هایی نیاز به اصلاح دارند که امیدواریم براساس اسناد بالادستی موجود، جلوی این‌گونه خودمختاری‌ها گرفته و رویه‌ی صحیح و قانونی اعمال شود.

۵) تجربه‌ی آموزش توسط یک آموزگار در همه‌ی درس‌های یک پایه در ابتدایی، یک تجربه‌ی موفق جهانی است که نباید به راحتی کنار گذاشته شود.

۶) تدریس قرآن توسط آموزگار پایه مزایای زیادی در آموزش و تربیت قرآن دارد. از آن جمله، «استفاده از فرصت‌های یادگیری و نیز همپوشی درس‌ها» است که با حذف آموزگار پایه، این فرصت به تهدید تبدیل می‌شود.

۷) آموزگار پایه بهترین معلم روخوانی قرآن است. زیرا برنامه‌ی درسی قرآن دوره‌ی ابتدایی بر پایه‌ی آموزش سوادآموزی فارسی بنا نهاده شده است. به تعبیر دیگر، کسی می‌تواند روخوانی و روان‌خوانی قرآن را تدریس کند که بتواند سوادآموزی فارسی را آموزش دهد. آموزگاران پایه‌های ابتدایی شاید نتوانند صوت و لحن و تجوید و قرائت و حفظ قرآن یاد دهند و این مهم نیست، زیرا شاید تخصص آن را نداشته باشند.

اما مهم این است که ایشان متخصص آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم هستند و باید قدر این لطف و مرحمت الهی را بدانند، قبل از آنکه این توفیق از ایشان گرفته و به دیگری واگذار شود.



چه کسی به بچه‌ها قرآن بیاموزد؟

عده‌ای بر این باورند که آموزش قرآن، معلم اختصاصی می‌خواهد، اما نگارنده‌ی این مقاله اعتقاد دیگری دارد. رضا نباتی، که خود از نویسندگان کتاب درسی قرآن دوره‌ی ابتدایی است، بر اساس اسناد و اهداف آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی صحبت می‌کند. با نظرات ایشان آشنا شویم.

۱) یا ناخواسته مروج فرهنگ سکولار در آموزش و پرورش بوده‌ایم. یعنی آموزگار رفته‌رفته نه تنها از آموزش قرآن، بلکه از معنویت آن نیز فاصله می‌گیرد. در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان از چنین معلمی تربیت قرآنی و دینی توقع داشت و نباید شعار احیای حیات طیبه را فریاد کرد. چرا که این نگاه با سند تحول بنیادین که بر شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان تأکید دارد، مغایر است.

۲) آموزگاران پایه فارغ‌التحصیل تربیت معلم هستند؛ یعنی دوره‌های آموزش علوم، فارسی، ریاضی و «قرآن» را گذرانده‌اند و تعهد دارند که قرآن را نیز همچون سایر درس‌ها به مدت ۳۰ سال تدریس کنند.

۳) اصرار برخی افراد به تدریس قرآن توسط معلم غیرپایه به دلیل

۱) درس آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی، چه در مدرسه‌های دولتی و چه در سایر مدرسه‌ها، باید توسط معلم پایه تدریس شود و «طبق قانون»، تنها آموزگاران پایه باید به آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی بپردازند. در دوره‌ی ابتدایی، آموزش تخصصی وجود ندارد، بلکه ایجاد ارتباط عاطفی با دانش‌آموزان و آموزش مهارت‌های اولیه‌ی روخوانی و روان‌خوانی و در نهایت تحقق تربیت اسلامی مورد نظر است. در این دوره، اهداف عمومی و پایه پیگیری می‌شود، در حالی که در پایه‌های بالاتر، موضوعات کمی تخصصی‌تر شده‌اند و از دبیران درسی که به درس مورد نظر تسلط دارند، استفاده می‌شود.

۲) در دوران ابتدایی، اگر آموزش قرآن را از آموزگار پایه بگیریم، در واقع خواسته



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی
- ♦ رشد آموزش برهان متوسطه دوم

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

نظرسنجی

رشد آموزش ابتدایی

مخاطب گرامی، در نظر داریم در نحوه ارائه مطالب و موضوعات مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تغییراتی ایجاد کنیم. این مجله برای شما تهیه می‌شود و این شما هستید که باید به ما بگویید چگونه مجله‌ای می‌خواهید.

پاسخ‌های دقیق شما به سؤال‌های نظرسنجی به ما کمک می‌کند از تلاش خود بهره‌ی بهتری نصیب جامعه‌ی معلمان ابتدایی کنیم. به ما کمک کنید بدانیم شما چه انتظاری از مجله‌ی مخصوص خودتان دارید. شرکت در این نظرسنجی وقت کوتاهی از شما خواه گرفت، اما می‌تواند راهنمای ما برای ادامه‌ی راهی طولانی و درست‌تر باشد.

متن پرسش‌نامه در سایت مجلات رشد به نشانی زیر موجود است:

<http://www.roshdmag.ir>

می‌توانید به‌طور مستقیم به لینک زیر نیز مراجعه کنید:

<http://www.roshdmag.ir/fa/nazarsanjibtedaiee>

برای استفاده از نسخه‌ی تلفن همراه پرسش‌نامه، بارکد مقابل را اسکن کنید.



در وبگاه اختصاصی ماهنامه‌ی رشد ابتدایی می‌توانید به فایل‌های صوتی و تصویری و همچنین بعضی از مطالب بیشتر دسترسی داشته باشید یا شماره‌های قبلی ماهنامه را دانلود کنید. حتی می‌توانید مقاله‌ها و گزارش‌های فعالیت‌های خود را در صفحه‌ی مخصوصی که در اختیار شماست، آپلود کنید.

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

- الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
- ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهر راه آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۳۳۸۸۴۹.

عنوان مجلات در خواستی:

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان:
- شهرستان:
- خیابان:
- پلاک:
- شماره پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:
- اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵
- تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
- Email: Eshterak@roshdmag.ir

- هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۲۰/۰۰۰ ریال

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشند:

مطالب عمومی

- خاطره:** خاطره باید به مدرسه، درس، دانش‌آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
- تجربه:** تجربه‌های آموزشی و تربیتی را برای مجله بفرستید. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
- داستان:** سوزهای داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
- خبر و گزارش فعالیت:** اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی باید تازه و بدیع باشند و به امور روزمره مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشند.

مطالب تخصصی

- مقاله:** ماهنامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. شرایط نوشتن مقاله به شرح زیرند:
- به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش دوره‌ی آموزش ابتدایی مربوط باشد.
 - در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 - در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 - حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۱۸۰۰ کلمه باشد.
 - مقاله‌های کپی شده به سرعت تشخیص داده و کنار گذاشته می‌شوند.
 - چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 - منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 - عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم در خواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید.

از آنجا که مطالب هر شماره از ماهنامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله، برای دریافت نتیجه‌ی آن صبر کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماهنامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و به‌روزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماهنامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید.

برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم:

مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

صفحه‌ی همراهان مخصوص انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماهنامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند و در صورت تأیید، آن‌ها را در نوبت چاپ قرار می‌دهند. توجه داشته باشید، مطالبی تأیید می‌شوند که شرایط صفحه‌ی ۴۶ را داشته باشند.

- ۱ حمیدرضا عسگری؛ آموزگار - اراک
«تأثیر بازی‌های کامپیوتری بر کودکان»
- ۲ نجمه دائمی؛ آموزگار - گرگان
«دانش‌آموزان رنگارنگ، هوش‌های رنگارنگ»
- ۳ عبدالله مرادی؛ آموزگار - استان کردستان - شهرستان سروآباد - روستای قلعه‌جی
«بررسی تأثیر هوش هیجانی و هوش معنوی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه‌ی اول شهر سروآباد در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶»، «بررسی تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی شهر سروآباد در سال ۱۳۹۶»
- ۴ جلال عرب اسدی؛ آموزگار - استان سمنان، شهر میامی
«دانش‌آموزانی که ناخواسته مورد ظلم معلمان قرار
- می‌گیرند»
- ۵ مهدی ولی‌نژاد؛ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهلران - دهلران
«بررسی اثربخشی آموزش ریاضی از طریق بازی بر عملکرد ریاضی»
- ۶ سعیده اصلاحی؛ آموزگار - تهران داستان «عروسک اخمو»
- ۷ هرمز علی‌زاده؛ آموزگار - ایلام «حذف مشق شب، تیر خلاصی بر پیکر نظام آموزش ابتدایی»



"احذف مشق شب، تیر خلاصی بر پیکر نظام آموزش ابتدایی"

Date: Fri 9/11/2018 11:52 PM
From: Erfan Salehi

9/11/2018 11:52 PM
sadi

چند وقته براتون مقاله میفرستادم لطفا در صورت امکان به من بفرستید که من مقاله را به این سری در مورد دانش آموزان با نیازهای ویژه است که من

دانش‌آموزانی که ناخواسته مورد ظلم معلمان قرار می‌گیرند

نگارنده: جلال عرب اسدی کد پرسنلی: شماره تماس: امروزه در مدارس ابتدایی سیاست بر این است که دانش‌آموزان دارای هوشبری مزگی نیازهای ویژه نام برده می‌شود در کنار سایر دانش‌آموزان به تحصیل بپردازند. در این آموزان بررسی گردیده است. لازم به ذکر در این مقاله هر جا سخن از نیازهای ویژه می‌آید که از لحاظ جسمی سالم هستند و دی‌ان‌اوم و یا دارای هوشبری مزگی اند مشکلات فعلی این دانش‌آموزان

۱. حضور در کلاس‌های با جمعیت زیاد

امروزه در اکثر نقاط کشور شاهد کلاس‌هایی با جمعیت بین ۳۰ تا ۳۰ نفر و کلاس‌های شلوغی کلاس‌های درس تا چه میزان روی کاهش کیفیت کار معلم و همچنین کاهش یادگیری اثر می‌گذارد. حضور یک و یا بیشتر دانش‌آموزان نیازهای ویژه در کلاس

با اعلام نظر معاون ابتدایی وزیر آموزش و تکلیف و مسئولیت آموزشی، یعنی مشق شب و زبر، بدون ملاحظه و با صراحت در لایحه، مسئولیت‌های آموزشی دانش‌آموزان در روزهای دور که مهم‌ترین عامل انس و صمیمیت آموزشی حذف و در سده تزریق روکرد دانش‌آموزی فرسوده و لشکران فرایند آموزشی می‌باشد. سرگرفته شود که دانش‌آموز به رشد جنبش مهم هم در سال‌های آخر دبستان و با توجه بدون توجه به دیدگاه روان‌شناسی و نقل صاف درگیر حذف تسلیع نموده و در نهایت آموزش زبان آموزی است با همزمان و توانان با سه مهم که آسیب این روش کمتر از آسیب از طرف حمله پیشین نبوده و نیست. وقتی محتوای کتب درسی منطبق نیست، وقتی محتوای کتب درسی از حد وقتی متون درسی به روحیه و نیاز دانش‌آموز، کتب درسی رابطه‌ی عاطفی برقرار نمایند؟ آموز آموزشی، می‌تواند قبل از فرو ریختن، حداقل وسوسه باشد. حال اگر بسته‌ی پیشنهادی «مهارت آموز» ای این دانش‌آموز و کتب درسی برقرار نماید، می‌گیریم و سر معلم و تسلیم در مقابل آن فروود تکلیف دانش‌آموزان، شاهد نشستن تیر خلاص بر

به نام خدایی که جان آفرید
تورا ساده و مهربان آفرید
عروسک اخمو
نوشته: سعیده اصلاحی
معلم کلاس اول -
مدرسه زرم - منطقه ۱۵ تهران

د. در را محکم به هم کوید، منقعه اش را از سر برداشت و دود سست کنترل و نسبت جلوی تلوژون
ل و کنگره به دست از پشت دیوار کوتاه اشیرخانه تماشاچیان
سلام مهدیه خاموش بسته نلنم

کرب و مفسد و در ضمن یادش رفت
با خالهایی کی دیده ؟ در ضمن یادش رفت
نیس

سایه دل ضعفه داشت با این حوصلگی جواب داد: "چرا ما
ناره شم من سلام کردم شما متوجه نشدید

عکس یادگاری

شاید امروز که عکسی به یادگار می‌اندازید، ندانید که سی سال بعد، آن عکس چه تأثیر خوبی در شیرینی زندگی‌تان خواهد گذاشت. آن‌ها که عکس‌های یادگاری دهه‌های اول زندگی‌شان را مرور می‌کنند، این مزه را چشیده‌اند. از گرفتن عکس یادگاری با دانش آموزانتان دریغ نکنید.







شادی‌هایی که به یادگار می‌مانند